

# گوهر شب چراغ

﴿جلد دوم﴾

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على خير خلقه محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين إلى يوم الدين .

و بعد این رساله ایست از جلد دویم کتاب طرائف السوانح من اللغات و الاشعار و الطلسمات و غیرها و این جلد نیز ساعی در طبع و نشر آن جناب مستطاب شریعت‌آب آخوند ملا آقای محمدی نائینی سلیل جلیل مرحوم مغفور حاجی چاوش طاب ثراه گردیدند وفقه الله تعالی بمحمد و آله الطاهرين سلام الله عليهم اجمعين .

طریفة: گویند ختم سورة مبارکه انعام بجهت هر حاجتی باین نحو است که قرائت سورة مذکوره نماید و چون بکلمة (رسل الله) برسد وقف نماید و برخیزد و دو رکعت نماز بجای آورد. بعد از حمد آية الكرسي را هفت مرتبه و توحید را پنجاه بار بخواند و بعد از سلام سر بسجده نهد و هفت مرتبه بگوید: «لا اله الا أنت سبحانک إئی کنت من الظالمین» پس سر بردارد و بقیة سورة را از (الله اعلم) سر بگیرد و تمام کند. اما شروع این ختم اگر روز شنبه باشد میان نماز ظهر و عصر و سه شنبه وقت چاشت و چهارشنبه وقت نماز عصر و پنج شنبه قبل از زوال و جمعه



بعد از عصر ابتداء کند یا غروب بجهت هر مطلب مجرب است خواجه سنجوری گوید که من این نماز را کردم و از خداوند تعالی دنیا را طلبیدم، چندان بمن عطا فرمود که هزار غلام خریدم و آزاد کردم و الله العالم.

**طریفة:** چون کسی خواهد که آینده شخصی یا احوال نفع و ضرر خود را معلوم کند باید که اسم سائل را با مطلب سائل امتزاج دهد و طالع وقت را ببیند که چه برج است و اوتاد طالع را با هم در سطری نوشته امتزاج دهد و بعد از آن هر دو سطر را یعنی سطر اسم و مطلب و سطر طالع را با هم در سطری امتزاج دهد و تکسیر کند بسط تکسیر و ببیند که حروف غیر مکرر چند است بترتیب سطری سازد و مرتبه دیگر بسط مقدم و مؤخر سازد که جواب شافی حاصل خواهد شد چون تکسیر محتاج بکسور حروف است در آخر حروف را بگیریم که چون محتاج شود احتیاج بفکر و سرگردانی نباشد. مثال: «م ح م د»، مطلب: سائل بسفر رود خوب است یا نه؟ این اسم را با مطلب مزاج کردیم باین طریق «م س ح ف م ر د» این سطر را با سطر طالع وقت با اوتاد مزاج کنند باین طریق: جوزا طالع وقت بود اوتاد او سنبله و قوس و حوت. اولاً مزاج کردیم اولی را با ثانی و همچنین ثالث را با رابع باین نحو «ج و ز ا س ن ب ل ه» مزاج کردیم چنین شد «ج س و ن ت ا ل ه» بعد از آن قوس و حوت را با هم مزاج کردیم چنین شد «ق ح و ق س ت» این سطر را با سطر اسم و مطلب که مزاج کردیم چنین شد «م ج س ق ح س ق ح م و ر و د ن م و س ز ح س ف ب م ت ب ا د ل ه د» این سطر باید که بسط تکسیر نماید و جواب حاصل کند. مثلاً میم: نصف (ک) رُبِع (ی) خُمس (ح) ثَمَن (ه) و عَشْر (د) دارد. مجموع حروف را باید که چنین تکسیر کند و بعد از آن یکبار دیگر تکسیر صدر و مؤخر کند تا زمام بیرون آید و



حروف اول را بگیرد که احوال گذشته سائل ظاهر گردد و حروف آخرش را بگیرد که احوال آینده معلوم شود این است بیان استکشاف امور.

طریفة: گویند جفر در لغت بمعنی پوست بزغاله است یا آنکه بمعنای چاه روشن است و گویند اسم جعفر در اصل جفر بوده و الحاق عین بجهت اشاره بان است که از زمان واضع حقیقی این علم که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است تا زمان شارح و مکمل و مفصل آن که حضرت صادق علیه السلام است هفتاد سال بوده، که عدد عین می باشد.

طریفة: گویند در حروف تهجی یازده حرف است که آنها را جفریان حروف شفا گویند هرگاه بر عضوی از اعضای آدمی دردی پیدا شود باید که یک حرف از اول آن عضو درد ناک بردارد و یک حرف از حروف شفائیه مذکوره و مبسوط ساخته بر موضع درد بندد، در حال ساکن شود انشاء الله بفرمان الهی. مثلاً از برای درد سر باین طریق نویسد بسم الله الرحمن الرحیم

« رب رج درد ره و رز رح ر ط ری رک و لا » یا شافی کلّ مریض.

و بعضی حروف عضو مریض بالتّمّام حرف حرف بعد از آن نویسد و بعضی بر میان آن نویسد فتامل.

طریفة: گویند بجهت جلب دراهم نوشتن و خواندن این دعا نافع خواهد بود انشاء الله اللهم اقبض لی خمسة محمدیات مثلاً من فلان بن فلان کما قبض محمد صلی الله علیه و آله غنائم الخیبر بحقّ یاقابض یاباسط برزاقیتک کما قلت تبارکت و تعالیت فی کتابک « و یرزقه من حیث لا یحتسب ».

طریفة: گویند روز دوشنبه چون آفتاب از میان برگردد بنویسد و بر درخت آویزد



زود بیاید «فتنادوا، فتنادوا، فتنادوا، فلان بن فلان بن فلان بن فلان».

طریفة: گویند نقل است از شیخ سلیمان آنکه هرگاه اراده کنی که ببینی در خواب آنچه را که می خواهی پس بخوان این دعا را بیست و پنج مرتبه و حال آنکه بوده باشی با وضو: «اللهم بنوّت الإلهیّة و عظمة الصمدانیّه و سطوة الربوبیّه و عزّة الجبروتیّه و قدمة الفردانیّه و قدرة الوجدانیّه أن تصلّی علی محمّد و آل محمّد صلی الله علیه و آله و أن ترینی کذا و کذا».

طریفة: نوع دیگر که گویند از مجربات است بجهت دیدن مقصود در خواب آن است که بنویسی این کلمات را و بگذاری در دست و بخوابی تا عجایب بینی بشرط طهارت بدن و رخت و فراش و وضو و تنها بودن و نترسیدن و اتیان بآن در شب جمعه یا شب دوشنبه یا شب پنجشنبه:

### بظیظن و ش ه ا د ن ا س ا و ع ن ا ع س و ه م ا س ل ح ص و ا : طریفة

و باید چشم های «ها» و «طا» و «واو» و «عین» و «میم» گشاده باشد و پر نباشد.

طریفة: قیل حکمی عن شیخنا البهائی «رض» انه لما سألہ سائل عن سهو النبی صلی الله علیه و آله عن کون الصدوق «ره» معتقداً بذلك أجابه بأن ابن بابویه اولی بالسهو عنه صلی الله علیه و آله.

طریفة: گویند هرگاه زیره سبز را بکوبند و در سوراخ مورچه ریزند بیرون نیایند.  
طریفة: گویند بجهت دولت و ثروت و کفایت مهمات در روز چهارشنبه سوری که چهارشنبه آخر ماه صفر بوده باشد سر خود را بتراشد و در وقت تراشیدن این دعا را بخواند: «بسم الله و بالله و علی سنة رسول الله صلی الله علیه و آله، اللهم صلّ علی محمّد و آل محمّد كما صلّیت علی ابراهیم و بارک علیهم كما بارکت علیهم و ترخّم علیهم كما ترخّمت علیهم إنک حمیدٌ مجیدٌ یا ربّ». و همچنین در هر هفته در هر



چهارشنبه سر خود را بتراشد و در وقت تراشیدن همین دعاء مذکور را بخواند تا روز چهارشنبه آخر ماه صفر دیگر بدون فاصله این عمل را بجای آورد هنوز سال تمام نشده باشد که حق تعالی او را چندان دولتی دهد که از ضبط آن عاجز شود و مهمات او را کفایت فرماید و گویند این عمل آزموده و مجرب است.

طریفة: گویند نقش کردن باب متصل که مبنی است بر ۲۲ حرف بر دیوار خانه یا صندوق یا دور حصاری، موجب آن است که همه آنها در امان خدا از شر دزدان باشند و آن این است.

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت

طریفة: من اراد دخول الحمام للنّورة فليجتنب الجماع قبل ذلك بإثني عشر ساعة و هو يوم تمام. (۱)

طریفة: گویند هر که در وقت طلوع آفتاب این دعا را سه مرتبه روی در آفتاب نموده بخواند از درویشی خلاصی یابد انشاءالله:

«سبحان ربّ ذي الشمس نوره و سورہ و دورہ و بقدرۃ جلالہ یسرہ»

طریفة: گویند اگر سوره والعصر را بر کسی خواند که تب داشته باشد تب او زائل شود.

طریفة: گویند اعتقاد بعضی اطباء از آن است که جماع با ثبیه أنفع از جماع با بکر است، چه در جماع بکر لزوم تعنت و إتعاب و تنفّر طبع از قذارت دم بکارت است بر خلاف آن با ثبیه. «لکاتبه: مشروط بر آنکه پیر نباشد».

طریفة: گویند هرگاه زیبق را با توتیای هندی و «س ف ر د ل ن ه» مقطر بجوشانند کشته خواهد شد.



طریفة: گویند شیره زیره سبز را بر موضع ارضه<sup>(۳)</sup> بمالند دیگر ارضه بر نیاید.

طریفة: گویند در شب نیمه شعبان مستحب است سه نوبت سوره یس بخوانند، اول بجهت طول عمر. دوم بجهت غنی. سیم رفع بلیات. و عقب سوره این دعاء را بخواند: «اللهم إنيك عليهم ذو أناة و لا طاقة لنا فاغفر لنا بحلمك يا أرحم الراحمين».

طریفة: گویند بجهت اطلاع بر حال مستقبل در نیمه شب وضو ساخته و دو رکعت نماز کند و بعد از نماز سه مرتبه صلوات بفرستد و رو بقبله هر یک از این چهار اسم را صد بار بخواند و در مصلى بخوابد، آنچه مطلوب باشد در خواب بیند انشاء الله: «یا هادی اهدنی، یا علیم علمنی، یا خبیر اخبرنی، یا مبین بین لی».

طریفة: گویند مداومت بر ذکر «الشهید» ما بین شام و خفتن موجب گردیدن از اهل باطن و مطاعیت بین الخلائق خواهد بود.

طریفة: گویند در جامع ترمذی آورده که رسول خدا ﷺ فرمودند که: آیه الكرسی را در میان مال نهند یا بر فرزند بندند از همه بلاها محفوظ ماند.

طریفة: گویند از اصحاب منقول است که چون این حروف را بر صنایق اقمشه و بر دیوارهای باغ و سرا نویسند خداوند تعالی آنها را از دزد و آفات محفوظ دارد انشاء الله تعالی: ا ل م ک ه ی ع ص ط س ح ق ن

طریفة: عن النبی ﷺ من قرأ القرآن و عظم الناس فکأنما صام و أفطر بیوله.<sup>(۴)</sup>

طریفة: عن مولانا الصادق علیه السلام انه قد قتل في كربلاء قبل الحسين علیه السلام مائة نبی و مائة وصی و مائة سبط.<sup>(۵)</sup>

طريقة: گویند اگر کسی خواهد از امر پنهانی آگاه شود سه شب متعاقب وضو سازد و دو رکعت نماز گذارد و بعد از نماز یکصد و پنجاه مرتبه اسم «علیم» را تکرار نماید و با وضو صلوات گوید تا در خواب رود از عالم غیب آن امر بدو نمایند.

طريقة: عن ابی عبدالله عليه السلام: «لَقضاء حاجة امرئ مؤمن أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ عِشْرِينَ حِجَّةً يَنْفِقُ فِيهَا صَاحِبُهَا مِائَةَ أَلْفٍ» (٦).

طريقة: قيل لحصول المهمات يقرأ بعد صلاة الصبح أربعين مرّة:  
«يا باسط اليدين بالرحمة ارحمني».

طريقة: قيل ان جبرئيل عليه السلام نزل على ابراهيم عليه السلام خمسين مرّة و على موسى عليه السلام اربعمأة مرّة و على عيسى عليه السلام عشرة مرّات و على محمد صلى الله عليه وآله اربع و عشرين الف مرّة.

طريقة: قيل اول من عذب بالجدرى قوم فرعون ثم بقى بعدهم (٧).

طريقة: قيل الجلنار بضم الجيم و فتح اللام المشددة لاغير زهرة الرمان معرب (٨).

طريقة: فى الحديث: «عليكم بحسن الجوار و حسن الجوار يعمر الدار». قيل

ليس حسن الجوار كف الأذى فقط بل تحمّل الأذى منه ايضاً. (٩)

طريقة: قيل الزعفران بضم الفاء لا غير.

طريقة: فى الحديث: «من لبس ثوباً بشهرة ألبسه الله ثوب المذلة» (١٠).

طريقة: قيل طهران قريه باصفهان و قرية بالرّى.

طريقة: ذوالثديه لقب رجل من الخوارج اسمه ترملة (١١) قتل يوم النهروان و هو

تصغير الثدى و دخول التاء بلحاظ كون الثدى بمعنى اليد و هى مؤنثه و ذلك أنّ يده

كانت قصيرة مقدار الثدى.



طريفة: قيل في الحديث: «الطاعون دعوة نبيكم ﷺ و هي قوله ﷺ: اللهم اجعل فناء امتي بالطاعون».

طريفة: قيل المراد من ابن اروى في الاخبار هو عثمان بن عفان اروى امه (١٣).  
طريفة: قيل ذكر ابن الاعرابي ان لله تعالى الف اسم و للنبي ﷺ الف اسم و احسنها محمد و محمود و احمد.

طريفة: قيل: «أقل المؤمنين منزلة في الجنة من له فيها مثل الدنيا عشر مرات» (١٤).  
طريفة: في الحديث البرق مخاريق الملائكة (المخاريق جمع مخراق و هو في الاصل ثوب يلف و تضرب الصبيان بعضهم بعضاً). (١٢)

طريفة: في الحديث عن الصادق عليه السلام قال: شكت اسافل الحيطان إلى الله عز وجل من ثقل أعاليها، فأوحى الله تعالى إليها يحمل بعضك بعضاً (١٥).

طريفة: في حديث اوصاف قم عن علي بن محمد العسكري عليه السلام عن رسول الله ﷺ إلى أن قال الراوي فسألت علي ابن محمد العسكري عليه السلام متى ينتظرون الفرج؟ قال عليه السلام: اذا ظهر الماء على وجه الارض اي ارض قم فتأمل (١٦)

طريفة: في الحديث كان ما بين أكل آدم عليه السلام من الشجرة و بين ما تاب الله عليه فخرج منها خائفاً يترقب ثلث مائة سنة من أيام الدنيا.

طريفة: قيل في قوله تعالى «و يقول الكافر يا ليتني كنت تراباً» أراد بالكافر هنا ابليس عاب آدم عليه السلام بأن خلق من تراب و افتخر بالنار فيوم القيمة إذا رأى كرامة آدم عليه السلام و ولده من المؤمنين قال «يا ليتني كنت تراباً» (١٦).

طريفة: في الحديث تجديد الوضوء لصلوة العشاء يمحو «لا والله و بلى والله» (١٧).

طريفة: گویند امور غریبه که در عالم ایام بواسطه امور سماویّه باشد آن را طلسم گویند و اگر بواسطه اجرام عنصریّه باشد آن را نیرنج گویند.



طریفة: گویند هرگاه زاج را بر آتش نهند از رایحه او موش و مگس و امثال آن  
هلاک گردند.

طریفة: یکی از حکماء ربّانیین میفرماید: مقام توصیف غیر از مقام تسمیه است  
در مقام اول ما را میرسد که خداوند تعالی را باوصاف کمالیه بخوانیم اگر چه  
موصوف را کما هو حقّه نشناسیم، بخلاف مقام ثانی که موقوف است بمعرفة  
مسمّی چه اسم دالّ بر مسمّی است و ما را بمعرفت ذات او تعالی راهی نیست از  
این جهت است که می گویند اسماء الله توقیفیه است و بدون رخصت از شارع  
أقدس جایز نیست. فافهم.

طریفة: قاعدة و صفة الهیه مكشوفة للراقم الآثم بعد الرياضة العلمیه و السریة فی  
الأخبار الأئمة المعصومیة عليهم السلام و هی الدّین الخالص لیس فیها شوب من مشارب  
اهل الشّوب من الفلاسفة و المتفلسفة و المتصوفة و سایر المتبدعة فخذها بقوة من  
العقل الفطری و النور السّریّ بالإذعان و الیقین و کن من الشاکرین و الحمد لله رب  
العالمین و حاصل مفادها بالإختصار آنکه در مقام ستایش الهی دو مرحله را باید  
رعایت نمود، یکی مرحله تحمید و یکی مرحله تسبیح. اول عبارت از آن است که  
خداوند تعالی را وصف نمائیم بصفاتى که خود اثبات فرموده در کلام مبارک خود و  
خبر داده بآنها معصومین از انبیاء و اوصیاء عليهم السلام را نه غیر بجهت عدم استقلال عقل  
در این مقام بلکه آنچه را عقل بآن راهی دارد آن است که وصفی را که خود او کمال  
قرار داده از برای او اثبات کنیم تا تعطیل کلی لازم نیاید آن هم از باب مفاد «و إنّ  
النمل الصغار تزعم أنّ لله زبانیتن»<sup>(۱۸)</sup> و تا اینکه سدّ ابواب مدحات و توجّهات و  
دعوات و ترجیحات نشود و دارائی اشیاء صفات کمالیه را از صقع أقدس او دانیم لا



غیر، و در واقع توصیف در این مقام بمعنی اثبات صفت نیست بلکه بمعنای نسبت دادن صفتی است که خود نسبت داده بخود تعبداً و امثالاً چنانکه گویند شمسسته یعنی نسبت دادم او را بشمس و لنعم ما قیل:

در هویت نیست نه نفی و نه اثبات و نه سلب

زانکه از اینها همه آن بی گمان بالاستی

و مرحله دویم عبارت از آن است که خداوند تعالی را منزّه و مقدس دانیم از جمیع آنچه در وهم مخلوق درآید از صفات متصوره کائنه ما کانت بمقتضای «کلما میزتموه باو هامکم...»<sup>(۱۹)</sup> الخ حتی از این تنزیه نیز او را تنزیه باید کنیم بجهت آنکه آنچه از عرصه امکان از اعیان و اذهان بظهور رسد از جنس عالم امکان خواهد بود و با واجب تعالی هیچ مناسبتی نخواهد داشت «إِنَّ اللَّهَ خَلُو مِنْ خَلْقِهِ وَ خَلْقَهُ خَلُو مِنْهُ» و الطریق مسدود و الطلب مردود و در کلام حضرت امیرالمؤمنین و امام الموحدین سلام الله علیه کمال التوحید نفی الصفات عنه کمال دلالت بر این مرحله میباشد و آنچه در کلام علمای اسلام آمده از اینکه صفات الهیه اتحاد با ذات واجبی دارد یا عین ذات اوست محمول بر حقیقت نیست چه اتحاد تابع بامتبوع اعنی صفت باموصوف معقول نیست با آنکه مسلمی کل ایشان است که ذات، مجهول مطلق و غیب مرسل است و صفاتی را که با ذات متحد میدانند مثل علم و قدرت و هكذا از برای آنها معنی قرار می دهند مثل انکشاف و توانائی و غیر آنها پس این صفات نزد ایشان مجهول نیست و چگونه می شود متحد باشند با ذاتی که مجهول مطلق است بلکه شاید مراد ایشان همان مرحله اولی باشد بنحوی که تقریر یافت با تلمیح بمرحله ثانیه فتأمل . و راقم آثم در این مقام و هنگام تحریر این کلام متذکر



وقتی از اوقات مشرقات سابقه خود در وقت صلوة ظهرین در حالت تعقیب در اوان قبل از بلوغ در حین صبی یا زمان رهاق که نفس را کلیه در آن حال احتوائی است بر انحاء اشراق و استوائی است بر سریر صفاء اخلاق و رزانتی است در خصائل سلیمه مستقیمه و صیانتی است از رذایل ذمیمه مستقیمه گردید که در آن وقت حالتی ملکوتیه اقبالیه دست داده فطرت اولیه او از مبدأ فیاض مسألت حالیه و مقالیه نمود که بار إلهای این ماده ساذجه غیر قابله را صوری از علوم ربّانیه کامله افاضت فرما. در آن حال و مقام بدون شوب اوهام در حالت یقظه نه منام بگوش سر و قوه سامعه بشارت ساطعه باجابت این مسألت لامعه شنید و الحمد لله علی نعمه الصوریة و المعنویة . لهذا بعد از این تذکر او را علی الفوریه الآنیة هیئت اذعانیة و کیفیت اطمینانیه بصحت قاعده مذکوره در صفات سبحانیه حاصل گردید چه باحتمال رجائی فؤادی و امکان وقوعی یا استعداد محتمل است آنکه تجلی آن قاعده از شئون متولد آن بشارت و قادت بوده باشد والله المتعال غایة الآمال و رجاء کل بال و لله الحمد علی کل حال.

طریفة: گویند گوگرد زرد و سیماب با هم بکوبند خوب تا آنکه مخلوط هم شوند که اثر هر یک نماند بعد از آن شیشه را تا بگردن بگل بگیرند و این معجون را در آن شیشه کنند و بحرارت آتش گذارند و در شیشه را بگیرند و بقدر سوزنی باز گذارند و با آتش گذارند یعنی حرارت آتش تا آنکه بخار او تمام شود پس در او را محکم کنند و نگذارند تا سرد شود که شنجرف می شود انشاء الله.

طریفة: گویند صفت گل حکمت بدین گونه است: رست سرخ و موی سر آدمی و خاکستر و خاک برنج و اگر خاک برنج نباشد بنمک و سرگین بسازند.



طریفة: ایضا گل حکمت باین طریق ساخته می شود: خاک کوزه گری دو جزء ریگ نرم یک جزء خاکستر یک جزء نمک یک جزء موی بز مقرض قدری.

طریفة: گویند نمک قلیا باین طریق باید گرفت که قلیای سیاه را کوفته در دیگ کند و آب بکند و بجوشاند و بگذارند تا سرد شود و نمک قلیا بسته بقلیا چسبیده است بکار برند.

طریفة: گویند زیبق و نقره براده کرده و شنگرف در شیشه کند و بگل حکمت گیرند شیشه را و موم حکمت بر سر شیشه گیرند که قائم شود و یک شبانه روز در آتش تند گذارند یا در تون حمام تا عقد شود مثقالی بر پنج مثقال مس طرح کنند نقره شود انشاء الله.

طریفة: گویند اسم حضرت رسول صلی الله علیه و آله را بر این صورت که مذکور می شود بنویسند و در میان نام طالب و مطلوب نویسد که مجرب است.

محمد	محمد	محمد	محمد
محمد	محمد	محمد	محمد
محمد	محمد	محمد	محمد
محمد	محمد	محمد	محمد

طریفة در اسامی فلزات طلا را شمس گویند، نقره را قمر، قلع را مشتری، مس را زهره، سرب را زحل، آهن را مریخ، نوشادر را عقاب، زرنیخ را علم، کبریت را عروس، طلق را کوکب الأرض، زاج سفید را شب گویند.

طریفة: در حل العلم بیاورند زرنیخ سه مثقال با نوشادر یک مثقال در زیر زبل اسب دفن کنند هر روز زبل را تازه باید کرد که روز بروز تا هفت، که آنچنان حل شود که بتوان نوشت.

طریفة: در جواهر مکنونه آورده بجهت خلاصی از شدائد خواندن «یا رؤف یا رحیم» پانصد و چهل و چهار بار بدون زیاده و کم از جمله مجربات حقیر است.  
طریفة: فیه ایضاً بجهت دفع دشمن از روز پنج شنبه تا یک هفته هر روز صد و چهل و شش مرتبه بگوید «حسبی الله» که البته رفع می شود و نقل می کنند تجربه در او را و در سایر مطالب.

طریفة: فی الحدیث یکتب فی بیاض بعد البسملة: «اللهم إني أتوجه بأحب الأسماء إليك وأعظمها لديك وأتقرب وأتوسل إليك بمن أوجب حقه عليك بمحمد و علي و فاطمة و الحسن و الحسين و علي و محمد و جعفر و موسى و علي و محمد و علي و الحسن و محمد المهدی صلوات الله عليهم اجمعين اكفني شر كذا وكذا»، ثم يطوى الرقعة و تجعلها فی بندقة طين ثم اطرحها فی ماء جار او بثر فائه سبحانه يفرج عنك و مثل حول الورقة :



و فی نسخه هكذا: ❀

طریفة: روى عن النبي ﷺ انه قال لا راحة في الدنيا الا في ثلث ترك الدنيا و طلب العلم و صحبة الصالحين.

طریفة: السخاوة و الجود عن طوال امتي و اليمن و الخير في اواسط امتي و الشوم و اللوم في قصار امتي.

طریفة: از حضرت امیر المؤمنین عليه السلام مروی است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در شدت و اضطراب چون گفتی «یا حی یا قیوم» در حال فرج رسیدی و از برای وسعت رزق در اوقات سحر تا طلوع آفتاب بسیار مؤثر است.

طریفة: قبل لرؤية ما يريد في النوم «و عنده مفاتيح الغيب... الى و هو اسرع



الحاسبين» فی اواسط سورة الأنعام كتبها فی خرقه كتان ثم وضعها تحت رأسه و سأل الله تعالى أن يريه ما اشتبه عليه فإنه يراه انشاء الله.

طريقة: قيل لتعليق «إنا فتحنا لك فتحاً مبيناً» إن تستفتحوا قد جاءكم الفتح» في العضد الأيمن لجلب الرزق أثر عظيم.

طريقة: قيل از جهت ازدياد ثروت و دولت مداومت بر قرائت سوره «ق» نافع و مجرب است.

طريقة: در طریقه داروی بی هوشی گویند تریاک جوز بو امشک قدری داخل پیش دماغ هرکه رساند بی هوش شود، سرش در آب سرد فرو برد بحال آید.

طريقة: گویند هرگاه برگ چغندری را بجوشانند و بر موی مالند سیاه شود.

طريقة: گویند بجهت رفع درد دندان، بار درخت چنار که تیغ دارد بر سر قلیان آبی گذارند و بکشند مجرب است.

طريقة: گویند بجهت رد گم شده خواندن «ناد علی» مفید است.

طريقة: گویند خواندن این دعا بجهت دولت عظیمه و قضاء حوائج و اداء دین

مفید است چنانچه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آنرا تعلیم اعرابی فرمودند و میراث کثیری باو

رسید و هفت خم زر پیدا کرد از برکت آن: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ

إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا فَارِجَ الْهُمُومِ وَيَا كَاشِفَ الْغُمُومِ وَيَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ

الْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا فَرْدُ يَا وَثَرُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا اللَّهُ يَا رَبَّ يَا

مَالِكُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ يَا رَبَّ الْأَرْيَابِ وَيَا مَالِكَ الرُّقَابِ وَ

يَا مُنْشِيَ السَّحَابِ الثَّقَالِ يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ وَ يَا مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

آلِهِ وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ كَرَامَتِكَ وَ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ أَبْوَابَ نِعْمَتِكَ وَ أَبْوَابَ خَيْرِكَ وَ



أَبْوَابُ شُكْرِكَ وَأَبْوَابُ عِنَايَتِكَ وَأَبْوَابُ إِحْسَانِكَ وَأَبْوَابُ أَمْنِكَ يَا  
 رَتُّوفُ يَا رَحِيمُ يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ يَا لَطِيفاً بِالْعِبَادِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اسْمِعْ  
 كَلَامِي وَاسْتَجِبْ دُعَائِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ  
 الْبُخْلِ وَالْجُبْنِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
 وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ».

طریفة: گویند سزاوار است طالب از اسماء الهیة اسم مناسب مطلوب خود را  
 پیدا کند مثلاً طالب عزت اسم عزیز را و هكذا پس اولاً یک مرتبه این اسم را بخواند  
 اگر مقصود حاصل شد فیها و إلا بعدد حروف بخواند اگر حاصل شد و إلا بعدد  
 ملفوظی و بخواند اگر حاصل شده و الا عدد ملفوظی و مکتوبی کواکب سبعة و  
 جهات ست و موالید ثلاثه بخواند و ملفوظی در اصطلاح اهل جفر سه حرفی را  
 گویند که آخرش از قسم اول نباشد و آن سیزده حرف است «الف جیم دال ذال سین  
 شین صاد ضاد عین غین قاف کاف لام» و مکتوبی سه حرفی را گویند که آخرش از  
 قسم اول باشد و آن سه حرف است «میم،نون،واو» و مسروری دو حرفی را نامند و  
 آن دوازده حرف است «با تا ثا حا خا زا طا ظا فا ها یا» و حروف اول را در این  
 اصطلاح زُبر گویند و باقی را بیئات و در ملفوظی دو حرف بیئات است و بیئات  
 مسروری را چندان اعتباری نیست و طریق اعراب جفری بنا بر قاعده مرتضویة  
 چنین است هفت حرف مفتوح است «ا و ی ل م ن ع» هفت حرف مکسور است  
 «ه ز ش ت ذ ص ط» و هفت حرف مضموم «ز ک س ن ت ح» و هفت حرف  
 مجزومند «خ د را غ ض ق ب».

طریفة: گویند پودنه خشک را در آب جوشانیده و آن آب را بر چوب ریزند



ارضه پیرامون آن چوب نگردند.

طریفة: گویند هر که سه مرتبه یا هفت مرتبه این دعا را بجهت حرکت کسی از جای خود بخواند مؤثر خواهد بود انشاء الله تعالی: «اعْتَصَمْتُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ فِي نَفْسِي فَأَعْصِمْنِي مِنْ ذَلِكَ».

طریفة: نقل عن الشيخ في كتاب مصباح الأنوار عن المفضل قال دخلت على الصادق عليه السلام ذات يوم فقال يا مفضل هل عرفت محمداً وعلياً وفاطمة والحسن والحسين كنه معرفتهم؟ قلت لا قال عليه السلام يا مفضل من عرفهم كنه معرفتهم كان مؤمناً. قلت عرفني ذلك يا سيدي. قال عليه السلام يا مفضل تعلم أنهم علموا ما خلق الله عز وجل وأتهم كلمة التقوى وخزان السموات والأرض والجبال والرمال والبحار و علموا ما في السماء من نجم وملك ووزن الجبال و ماء البحار و انهارها و عيونها و ما تسقط من ورقة إلا علموها و لا حبة في ظلمات الأرض و لا رطب و لا يابس إلا في كتاب مبين و هو في علمهم و قد علموا ذلك. فقلت يا سيدي قد علمت ذلك و أقررت و أمنت قال نعم يا مفضل نعم يا مكرم نعم يا طيب طبت و طابت لك الجنة و لكل مؤمن بها (۲۴).

طریفة: گویند چون در وقت بیع و شری آیه «قَالُوا اذْعُ لَنَا رَبِّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ» (۲۵) را بخواند در آن معامله غبن نبیند و ایضاً این دعا را بخواند «یا مُخَيَّرُ یا مُخْتَارُ یا مَنْ الْخَيْرُ بِيَدِهِ یا خَيْرَ دَلِيلٍ یا دَلِيلَ الْخَيْرِ یا مُرْشِدُ یا هَادِي».

طریفة: گویند اگر کسی اسم «الرقیب» را بر در سرائی نویسد اهل آن سرا از معاصی محفوظ مانند انشاء الله.

طریفة: گویند چون کسی اسم «ذوالجلال والإکرام» را بر خاتمی نقش کند و با خود دارد هر چه از خدای تعالی طلب کند بیابد انشاءالله.

طریفة: گویند بجهت شفاء و درد سینه آیه «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي...إِلَى يَفْقَهُوا قَوْلِي»<sup>(۲۶)</sup> را سه بار بر سینه بمالند رفع خواهد شد انشاءالله.

طریفة: گویند بجهت درد دندان بر کاغذ نویسند «لِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ» را و بر دندان نهد درد ساکن شود.

طریفة: گویند از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مروی است که هر که هزار غین بنویسد و با خود دارد و این اسم را ورد خود سازد «یا غنی» خداوند تعالی چندان مال باو عطاء فرماید که مردم متحیر مانند و این دعاء نیز ورد خود سازد «یا غنی رب غنی کریم».

طریفة: گویند اگر کسی از سوره زخرف آیه «وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ...إِلَى قَوْلِهِ إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ»<sup>(۲۷)</sup> را بخواند تا در خواب رود کسی را بیند که او را ارشاد کند و او را از حیرت و سرگردانی خلاصی دهد.

طریفة: گویند مروی است که در هر ماه نو که هلال راببینی از اول بگو: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ يُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا» در آن ماه فتح و نصرت یابی و اگر سوره مبارکه تبارک در اول ماه بخوانی تا آخر دولت و جمعیت بینی و در نزد هر ماه نو با اسماء دوازده امام علیهم السلام باید نظر کرد و از انگشت شهادت دست راست در دست چپ همین اسماء را بنویسید و بر روی خود مالند در آن ماه فرح و شادی و فتح یابند.



طریفة: گویند این عزیمتی است مشهوره بعزیمت امّ موسی علیها السلام بجهت فتح  
 جمیع بستگیها و فتوحات کلیه و جزئیه میخوانند و آثار عظیمه بینند حتی جهت  
 قفلهای بسته میخوانند گشوده میشود و بجهت تسکین درد اعضاء بسیار مجرب  
 است: «بسم الله الرحمن الرحيم يا فتاحِ بِلا مِفْتاحِ افْتَحْ لَنَا بِحُرْمَةِ امِّ مُوسَى حِريَاثِ  
 مِريَاثِ شِريَاثِ شِثَاثِ كِبرَاثِ طِثَاثِ تَخْفِيفِ بوحَايِضِ نوحَايِضِ نوخَابِذِ نوخَابِذِ  
 جامِرتِ يا كَافِلنا يا راحِلنا يا بَختِنا يا تَحِيّيه بوخَاءِ بنتِ لاوى يعقوب عليه السلام يا مجري  
 الفُلكِ في البَحرِ بِأَمْرِه إِنَّكَ بِالنَّاسِ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ سَخَّرَ لي كذا و كذا» و آنچه خواهد  
 اسم برد که البتّه مجرب است انشاء الله تعالى.

طریفة: گویند روایت است آنکه هر که در هر روز جمعه میان دو نماز این آیه  
 مبارکه را در یک سطر بنویسد و با خود در کیسه‌ای نگاه دارد هرگز کیسه او از زر  
 خالی نباشد و دولت و گشایش بروی او آورد و نعمت و روزی او فراوان گردد و  
 بتجربه رسیده: «بسم الله الرحمن الرحيم وَ لَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا  
 مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ» (۲۸).

طریفة: گویند سوخته زاج را با سوخته جو و زغال چوب بید و زید البحر بر  
 دندان بمالند موجب سفیدی و استحکام بِن آن خواهد بود و همچنین هرگاه عسل  
 را با نمک در پارچه نموده بر دندان مالند.

طریفة: گویند از جناب سلمان فارسی (رضی الله تعالی عنه) روایت است که هر  
 کس ده روز بعد از نماز صبح قبل از سخن گفتن با کسی سوره یس را بخواند و این  
 دعاء را قبل از تلاوت سوره مبارکه مزبوره ده مرتبه بخواند بهر حاجت که بخواند روا  
 شود و اگر روا نشود بر من لعنت کند چرا که اسم اعظم خداوندی در این دعاء است



و دعا این است: «بسم الله الرحمن الرحيم يا قديم يا دائم يا حى يا قيوم يا فرد يا وتر يا واحد يا احدى يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً احدى و صلى الله على مُحَمَّدٍ و آله اجمعين بِرَحْمَتِكَ يا ارحم الراحمين».

طريفة: قيل إذا أردت أن تجعل القرطاس درهما تغتسل يوم الجمعة و تلبس ثياباً جديداً او نظيفة و تصوم ذلك اليوم و تصلى ركعتين فى موضع خال ثم تقطع مقدار ما تريد قرطاساً على سكة سلطان سليمان و يكون شفعا لا و ترا ثم اقرء عليها ثلث مرّات سورة الاخلاص معكوسة كما ترى عند طلوع الشمس و تنفث عليها ثم تقوم و تجىء إلى بيتك ثم تمشي إلى المكان المذكور يحصل مقصودك بإذن الله و هذه سورة الاخلاص معكوسة:

بسم الله الرحمن الرحيم و هو هذه «احد كفواً له و لم يكن و لم يولد و لم يلد الصمد الله احد الله هو قل» (٢٩).

طريفة: فى كتاب الحديقة الناظرة إنّ بعير الغنم إذا أحرق و سحق و عجن بخيل و طلى به اللسعة العقريّة نفعها و كذا وضع الفضة على الموضع و ينفع اللسعة الزنبوريّة الكراث إذا دقّ و جعل لطوناً.

طريفة: گویند هرگاه کسی را مهمی پیش آید یا در کاری متحیر باشد باید در خلوتی رود و با اعتقاد درست دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن این دعا را بخواند و سر به سجود نهد و مقصود از خداوند تعالی بخواهد و بر خیزد و روبه آسمان کند و یکبار دیگر این دعا را بخواند اگر مطلوب در زیر کوه قاف باشد خداوند تعالی آن را باو برساند بقدرت خود و دعاء این است:

«أمنت بِالْعِزَّةِ وَ الْجَبْرُوتِ وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَى الَّذِي



لَا يَمُوتُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» و از حضرت سجاد عليه السلام منقول است که فرمودند بخدا سوگند که دعانکردم باین دعاء برای هیچ امری مگر آنکه مستجاب شد. طریفة: طریقه استخاره منسوبه بحضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه که در نزد جمعی از اکابر علماء بتجربه رسیده در موارد لا تحصی آن است که اولاً سه مرتبه صلوات بفرستد و قبضه ای از سبحة را بگیرد از جانب شیخه سبحة و جفت جفت طرح نماید اگر فرد بماند خوب است و اگر جفت بماند بد است. و در بعضی از نسخ آمده که اولاً سورة فاتحه را تا إهدنا الصراط المستقیم بخواند و این کلمه را سه مرتبه تکرار کند و سه دفعه این دعاء را بخواند «يَا مَنْ يَعْلَمُ إِهْدِنِي مِنَ الْغَيْبِ وَ اجْعَلْ لِي صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا» و اگر خواهد درجه خوبی را نیز بفهمد یک دفعه دیگر استخاره بجهت ترک از فعل که مثلاً خوب آمده بکند اگر ترک آن بد آمد آن فعل در أعلا درجه خوبی خواهد بود و الاً خوب وسط خواهد بود و همچنین میتوان درجات رجحان فعل و ترک را باین نحو تشخیص داد و اگر سبحة صد دانه باشد شاید بهتر باشد که لا یخفی.

طریفة: قد جاء فی الحدیث أن صفیة أعتقت غلاماً تطولاً و ماتت صفیة و مات معتقها و لم یخلف نسباً و ترک مالا فقال علی عليه السلام میراثه لی و لأخی و قال الزبیر بل إرثه لی و کان فی عهد عمر فحکم للزبیر بذلك فقال علی عليه السلام هذا خلاف لما ورد به الشرع فإن ولاء العتق المرثه یكون لعصبتها و هم عاقلتها و لیس لأولادها (۳۰)

طریفة قیل عن ابن الصید کل کلمة فیها «صاد و قاف» فیها اللغات الثلاث كبصاق و براق و بساق.

طریفة: فی الحدیث کان علیه السلم إذا أكل مع قوم کان اکثرهم اکلاً و ذلك للرافة و المماشاة.



طریفه: قیل قد یعبّر عن ابی بکر باین آکله الذّبّان و الذّبّان بالکسر جمع الذّبّاب بالضم کغراب.

طریفه: گویند از علائم ظهور حضرت قائم علیّه‌السالوات طلوع کوکب داود علیّه‌السلام است (۳۱).

طریفه: اطباء طب جدید میگویند آنکه استعمال دخیانیات در حین نظر به کتاب

مضر بچشم خواهد بود.

طریفه: فی بعض الكتب اعلم وفتک الله تعالى إنّ هذا هو الاسم الأعظم المشهور

بالحجاب الكبير «شاه شاه» و هو للحجب عن الأعداء من الملوك و الأمراء و أرباب

الدّول من ذوی الغدر و العناد و الهیبة و العظمة و الجلال و قد نلت السعادة فی

الدارین یا حافظه و قاریه فداوم علیه تنل مطلوبک انشاء الله تعالى و تغلب عدوّک و

له شرح طویل و خواص کثیره و قد طرحت ذکرها لضیق المجال و هو هذا:

بسم الله الرحمن الرحيم شاه شاه سارم سارم هلوب هلوب هلوب هلوب هلوسم هلوسم

ایوم خبوم قیوم طاب و لآب باروح و طاع بغیال مقطوع سلهور دبال مقطوع یاسع

مهایج اللهم أسألك بسیر هذه الأسماء العظام أن تحجبني عن شرّ من بغاني بسوء من

خالقك من الجنّ و الإنس و أن تهیج روحانية محبتهم علیّ بسیر اسمک الخفی یا

خفی السّرّ یا عظیم و لا حول و لا قوّة إلا بالله العلیّ العظیم.

طریفه: گویند طریقه استخراج از کلام الله المجید آن است که مدعی را نوشته و

جمع نموده و جمع را با عدد حروف سر سور قران برابر و مطابق نموده و آن حروف

سر سور که مطابق جمع مدعی شده را تکسیر کند تا زمام بهم رسد در سطور تکسیر

منصوباً و مغلوباً ملاحظه کند جوابی مطابق سؤال خواهد بود و این سر را از نااهل

پنهان دارد که قاعده‌ای است درست و صحیح.



طریقه: دیگر آنکه مطلبی را که داری قصد کن و از کلام الله المجید تفرّی نمودی  
مصحف را گشوده و از سطر اول دست راست حروف غیر مکرر آن را بیرون نوشته  
ملاحظه نماید که چند حرف است کسورات همان حروف را حرف بحرف در زیر  
همان حروف نوشته و بعد وضع مکررات حروف کسورات را در یک سطر نوشته  
ملاحظه نماید وقتی که حروف خالصه را جمع نمود از آن چه جواب بیرون خواهد  
آمد همان جواب مدعی است اگر خواهی حروف خالصه را تکسیر نما که بزمام  
برسد و در سطر تکسیر جواب مطابق سؤال خواهد بود و الله الموفق للصواب.

طریقه: گویند یکی از طرق ناطقه جفریه این طریقه است که حروف سؤال را  
نوشته و وضع مکررات نموده و خلاصه حروف را ملاحظه نماید که چند حرف  
است و کسورات همان حروف را که بمنزله مستحصله است نوشته و مکررات  
حروف کسور را نیز وضع نموده و ملاحظه نموده که بعد از وضع مکررات کسور  
چند حرف باقی مانده را بترتیب نوشته تا ممل نماید که چه عبارت بیرون میاید از او  
که آن جواب سؤال تو خواهد بود و بمنزله وحی است هرگاه عملی کنی از نااهل  
پنهان دار و بپوش که مرخص نفرموده اند.

طریقه: گویند یکی از طرق تفرّی کلام الله تعالی بطریقه جفریه ان است که صد  
مرتبه صلوات فرستاده آیه «و اذ قتلتم نفساً فاداراً انتم فیها والله مخرج ما کنتم  
تکتّمون» خوانده و تعیین مطلب نموده بهل یکنون کذا و هکذا پس قران مجید را  
گشوده سطر اول صفحه یمنی را متقطع نوشته اخراج نموده تنمه ملفوظی و  
مسروری و ملبوبی جدا نموده از هر یک حرفی برداشته بادی را مقدم داشته بعد  
آتشی بعد آبی بعد خاکی بعد تکسیر نموده در سطور تکسیر جواب حاصل شود

انشاء الله تعالى ملاحظة كسور حروف نماید ملفوظی الف مسروری با ملبوبی واو  
طبایع بطریق اهطمفشذ است.

طریفة: قال الحكماء البلاهة ادنى الى الخلاص من فطانة بتراء.

طریفة: طریق محلوب نمودن طلق آن است که طلق و نخ را در کیسه کرباس  
بریزند با سنگ ریزها و بدست بمالند و بهم فشرند و بدوشند تا طلق همچو شیر  
بیرون آید و آن را خشک کنند و الله العالم.

طریفة: گویند در مدینه طیبه عرق شخص ، خوش بوی شود و از هوای او بوی  
خوش آید.

طریفة: گویند حجرالاسود در آب غرق نشود و از آتش گرم نگردهد.

طریفة: قیل الواد المهوروز کلمة فارسیّة من هرز الماء و هو الزیادة علی المقدار  
المحتاج الیه.

طریفة: قیل کلّ شیء یقدر حتی العجز و الکیس ، و الکیس ضدّ العجز و  
هو النشاط.

طریفة: فی الحدیث لا تلبس القرمز لآته من اردیه ابلیس.

طریفة: قیل قال الکفعمی (ره) الأبالسة ذکور و اناث یتوالدون و لا یموتون بل  
یخلدون فی الدنیا کما یخلد ابلیس بخلاف الجنّ فإنهم یتوالدون و یموتون.

طریفة: قیل قد یطلق لفظ المذهب علی الکنیف و بیت الخلاء کما هو المستعمل  
فی بعض الأخبار.

طریفة: قیل ما ورد من تحریم الغیبة علی العموم حتی للفاسق المصرّ کما مال الیه  
بعض ، کلها من طرق اهل الخلاف لمن تدبر ذلك.



طريقة: الهندباء نافعة للمعدة والكبد و الطحال و للسعة العقرب ضماداً باصولها.  
طريقة: فى الخبر انه لعن السلتاء و المرهء قیل السلتاء من لا تختضب من النساء  
كانه سلت الخضاب من يدها اى قطعت و المرهء من لا كحل فى عينها<sup>(٣٢)</sup>.

طريقة: فى الخبر لا تتزوجن لقوتا اى مرأة ذات ولد<sup>(٣٣)</sup>.

طريقة: اذا ثنيت الخصيه قلت الخصيان باسقاط التاء.

طريقة: فى الخبر رأس العقل بعد الايمان بالله مدارات الناس<sup>(٣٤)</sup>.

طريقة: قيل فى الحديث الفرق بين النفس الزاكية و النفس الزكيه أن الاولى نفس  
لم تذب قط و الثانية نفس اذنبت ثم غفر لها هكذا فى النسخة و الظاهر أنه  
بالعكس فتأمل.

طريقة: فى الحديث لا بأس بكوامخ المجوس و هى جمع كامخ، قيل و هو الذى  
يؤتدم به اقول: لعله الذى يصنع فى بلدتنا نائين و توابعها من اللبن و عجين الدقيق و  
الفودنج و يعبر عنه بكامه فى لسانهم<sup>(٣٥)</sup>.

طريقة: فى الحديث من لم يأخذ العلم عن رسول الله ﷺ يمضون الثماد و  
يدعون النهر العظيم<sup>(٣٦)</sup>، قيل الثماد هو الماء القليل الذى لا مادة له .

طريقة: قيل انّ يأجوج اسم للذكران و مأجوج اسم للاناث و ان الترك قبيلة منها  
كانت خارج السدّ لما رمه ذوالقرنين فأمرهم بتركهم خارج السد فلذلك سموا تركا.  
طريقة: فى حديث قال صلى الله عليه و آله أتزعم يا بن عباس انّ الله تعالى يقسم  
بالسما ذات البروج يعنى به السماء و بروجها قلت يا رسول الله فماذاك، قال اما  
السماء فأنا و اما البروج فالائمة بعدى اولهم على عليه السلام و آخرهم المهدي صلوات الله  
عليهم اجمعين<sup>(٣٧)</sup>.



طريقة: ان جعل القليل من صمغ الأنجدان فى ثقبه الاحليل انعظ انعاظا قويا.

طريقة: بجهت رفع و دفع گرفتارى و وقوع در ورطات طوارى اين دعا نافع بل

مجرب است در مواقع بهر عدد و هفتاد يا صد اشد و اسد اثراً خواهد بود بمشيئة الله

تعالى: «بسم الله الرحمن الرحيم و لا حول و لا قوة الا بالله العلى العظيم اَللّهُمَّ اِيَّاكَ

نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»

طريقة: قيل اكتب هذه الحروف على كف يدك و ضع على المريض الذي تريد

امتحانه و انظر هل يضحك ام لا فإن ضحك يخلص من المرض و إن لم يضحك

**هم هلال مكلا هط هم ص ه**

يمت و هى هذه:

طريقة: قيل لرفع الحذر المخشن العارض للسن و هو المعبر عنه فى عرف الطب

بالضرس ذلك الملح مع اللبن الحليب نافع جداً انشاء الله تعالى.

طريقة: گویند ابدان مهزوله دماء آنها اكثر از دماء ابدان سمينه مى باشد چنانكه

قدرت بر جماع نیز در آنها اكثر است.

طريقة: قيل من طلب المال بالكيميا افلس.

طريقة: عن ابن عباس فى قوله تعالى «و من الأرض مثلهن» قال سبع ارضين فى

كلّ أرض نبيّ كنبيّكم و آدم كآدم و نوح كنوح و ابراهيم كابراهيم و عيسى

كعيسى عليه السلام (٣٨).

طريقة: فى الحديث الولد يكون من البيضة اليسرى فإذا قطعت ففيها ثلثا الدية و

فى اليمنى ثلث الدية.

طريقة: فى المناقب قال عمران الصّابى للرضاع عليه السلام ما بال الرجل اذا كان مؤثنا و

المرأة اذا كانت مذكرة قال عليه السلام علة ذلك انّ المرأة إذا حملت و صار الغلام منه فى



الرحم موضع الجارية كان مؤثنا و إذا صارت الجارية موضع الغلام كانت مذكرة و ذلك ان موضع الغلام في الرحم مما يلي ميامنها و الجارية مما يلي مياسرها (٣٩).

طريقة: عن الشيخ في الشفاء ان القبجة تحبلها ریح تهب من ناحیه الحجل و من سماع صوته اقول هذا ممّا يكسر سوره استعباد بعض الحكماء العظام استحبال مريم عليها السلام من النفخة الإلهية فافهم.

طريقة: قيل مما يستدل به على ان الجسد المثالي موجود في حال الحياة ايضاً الحديث المروى في تفسير قوله يا من اظهر الجميل من ان في العرش تمثالا لكل عبد فإذا اشتغل العبد بالعبادة ارادت الملائكة تمثاله و إذا اشتغل بالمعصية امر الله تعالى بعض الملائكة يحجبوه باجنحتهم لثلاثه الملائكة فذلك معنى قوله «يا من اظهر الجميل و ستر القبيح» فافهم. (٤٠)

طريقة: في الحديث النبوي صلى الله عليه وآله يا على عليه السلام ان ارواح شيعتك تصعد إلى السماء في رقادهم و وفاتهم فتنظر المائكة اليها كما ينظر الناس الى الهلال شوقاً إليهم و لما يرون منزلتهم عند الله عزّ و جل الخبر (٤٠).

طريقة: في الحديث «لو لا ان يدخل الناس زهو (اي كبر) لسلمت عليهم الملائكة قبلاً» (٤١).

طريقة: انّ للعلم طغيانا كطغيان المال اقول باطن هذا الحديث و ظاهره يقصم ظهر اهل الباطن و اهل الظاهر فتأمل ظاهراً و باطناً.

طريقة: الفرسخ التام خمس و عشرون غلوة (٤٢).

طريقة: قيل القرء عند اهل الحجاز «الطهر» و عند اهل العراق «الحيض».

طريقة: قيل در زبان لاتینی حرف عین ندارند و بجای حرف عین حرف الف

میاورند چنانچه علیا را ایلیا و علی را آلی و کنعان را کنئان می نویسند و در بعضی از زبانها در آخر اسماء حرف سین می آورند چنانکه در اناجیل عربیه مثلاً علیا را ایلیا می نویسند و در فارسیه الیاس و آمنه را آمنیس می نویسند.

طریفة: گویند هر که در روز اول ماه فروردین پیش از آنکه سخن گوید پاره از شکر تناول کند از آفات آن سال محروس ماند انشاء الله تعالی.

طریفة: گویند زر متکون نشود مگر در زمین ریگ ناک و کوهی که احجار رخوه داشته باشد بر خلاف سیم و آهن و نحاس و کبریت که متولد نشود مگر در زمین نمناک و خاک نرم و رطوبات دهنیه.

طریفة: گویند دخان زیبق بصر را ضعیف کند و بسا باشد که کور نماید چنانکه محمد بن زکریا در حال شباب کیمیاگر بود و کور شد و بغداد رفت نزد طبیبی بجهت معالجه طبیب هزار دینار گرفت و بقراضه مداوا نمود. محمد گفت کیمیا آن است که قراضه ای را بدل به هزار دینار کنی نه آنکه دو چشم را در بازی بعد از آن به علم طب مشغول گردید.

طریفة: گویند این اشکال را بخط حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام یافته اند بجهت رفع



درد سر بنویسند و با خود دارند که مجرب است:

طریفة: گویند بجهت حفظ از تخفیف و توهین در مجلسی که وارد شوی بگو پیش از سلام هنگام ورود: «اذهل اهل اسبل سلام علیکم».

طریفة: گویند حروف خواتیم را که هفت حرف منفصله عبارت از آنها است مثل ارز روزلا در ضبط مال و خانه و انعام مؤثر یافته اند در چهاردهم هر ماه نویسند بر



حصار خانه یا در پای صندوق نقش نمایند یا تعویذ اسب و غیره نمایند خواص عجیبه از آن بظهور رسد انشاء الله.

طریفة: گویند از برای ورد ناد علی علیه السلام بطریق معروف هفتصد خاصیت ذکر کرده اند و در کافه مهمات او را مؤثر دانسته از جمله خواص مذکوره این است که بجهت شفاء مرض صعب العلاج هفتاد بار آن را بر آب باران بخوانند و به بیمار دهند شفاء یابد انشاء الله و اگر کسی رسولی بجائی فرستد سه مرتبه او را در گوش او بخواند بمهمی که رود زود ساخته شود انشاء الله.

طریفة: فی خواص ناد علی علیه السلام ذکر فی کتاب شفاء الصدور انه إذا قرأها الانسان سبعاً و اربعین او ثمانیة و اربعین مرة فی اول ساعة من يوم الجمعة فإنه یحبه كل احد حتى عدوه و لتحصیل العلوم و الحکمة تقرأ فی كل يوم وقت صلوة الظهر سبعین مرّة و لقبول السلاطین و جلالته عندهم تقرأ ستة ايام كل يوم مائة مرّة و صورة القرائه هكذا:

ناد علیاً مظهر العجائب تجده عوناً لك فی النوائب  
كل همٍّ و غمٍّ سینجلی بولايتک یا علیّ یا علیّ علیه السلام  
مع اعتصامها و اختتامها اثنی عشرة مرّة يوم الجمعة قبل طلوع الشمس متوجّهاً الى نحو المشرق اولاً یبدء بالإعتصام ثم الإختتام و بعد الفراغ يدعو بدعاء رجال الغیب و بعد ذلك یقول یا رجال الغیب بحرمة ناد علی التي ذکرتها فی هذا الوقت افضوا حوائجی کله کبیرها و صغیرها و لا تعوقوها ثم یتوجه الى القبلة و يدعو بما احب فانه تقضى حاجته انشاء الله تعالی قبل وصوله الجمعة الاخری و اقصیها الى ثلث جمیع و هو مجرب. اما الإعتصام فهو: «یا الهی صمدی من عندک مددی و علیک



معمدی ایاک نعبد و ایاک نستعین». و اما الاختتام فهو: «یا غیاث المستغیثین أغثنی  
یا علی علیه السلام ادرکنی انا من اعدائک بریء بریء» و اما دعاء رجال الغیب فهو: «السلام  
علیکم یا ارواح المقدسة اعینونی بقوة و انظرونی بنظرة یا رقباء یا نجباء یا ابدال یا  
اوتاد یا قطب یا غوث اغیثونی بحرمة محمد و آله و احبائه و اتباعه و اشیاعه  
صلی الله علیهم اجمعین».

طریفة: قال بعض العلماء ان القادر العالم الحکیم دبّر تعلق جوهر النفس بالبدن  
علی ثلاثة اوجه احدها ان يقع ضوء النفس جمیع اجزاء البدن ظاهرة و باطنة و ذلك  
هو الیقظة و ثانیها ان ینقطع ضوء النفس عن البدن بالکلیه و هو الموت و ثالثها ان  
ینقطع ضوء النفس عن ظاهر البدن دون باطنه و هو النوم.

طریفة: قیل الأب مشتق من ابوت الصبی ابواً ای غدوته.

طریفة: قیل ان آسیه امرأة فرعون كلما اراد فرعون ان یمسّها تمثّلت له شیطانة  
یقاربها و كذلك فی عمر مع ام کلثوم.

طریفة: فی الحدیث لا شیء انکی (ای اوجع و اضرّ) لایلیس و جنوده من  
زیارة الإخوان (۴۳).

طریفة: گویند از تجربیات حاذقین اطباء آن است که در ابتدای بروز دملها تار  
عنکبوت بسرکه تر نمایند و بر آنها ضماد نمایند رفع آنها می کند و همچنین ضماد  
طحلب یعنی خرقة الضفادع که جل وزغ باشد بر آنها سریع الاثر است و ایضاً گویند  
در آغاز دمل موم را نیم گرم کرده بر آن گذارند نافع خواهد بود انشاء الله تعالی.

طریفة: گویند اگر کسی را فرزند نشود بنویسد آیه «قل اللهم مالک الملك...» (۴۴)  
و او را در آب اندازد و آب آن را بیاشامد.



### طریفة:

من از اعداد دیدم یک عدد را

کز و شش طرح می کردی نشد کم

و گر هم بر سرش شش میفزودی

از آن بسیار افزون می نشدهم

چو بر اسرار او واقف شوی تو

نگه دارش بضبط خویش محکم

که از تأثیر آن چندان بیابی

یقین دانی رموز اسم اعظم

عدد جمع واحد ۱۹ نقصان ۶ تتمه ۱۳

عدد جمع ابد ۷ الحاق ۶ جمعاً ۱۳

عدد بسط واحد بدون بینة واو

که مسروری است ۱۶۱ نقصان ۶ تتمه ۱۵۵

عدد بسط احد ۱۵۵

عدد بسط ابد ۱۴۹ الحاق ۶ جمعاً ۱۵۵ (پس یقین شد که احد اسم اعظم است).

طریفة: گویند از سید محمد گیسو دراز نقل است که خواندن اسم اعظم در پنج

وقت نماز بعد از هر نمازی یک مرتبه موجب ده فائده می شود مثل استجابت دعاء

و سلامت ایمان و عدم تکاهل در نماز و روشنی چشم و آسانی جان کردن و

سهولت سؤال قبر و اداء قرض و رفع سستی بدن و زیادتی قوت و روشنی قلب و آن

این است:

«بسم الله الرحمن الرحيم يا شمعوا يا شغلتنا يا كاديا يا نوراً ادشه الله أعلم اللهم

احفظني من جميع الآفات و العاهات و بحق التورية و الإنجيل و الزبور و الفرقان و

صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین».

طریفة: گویند بجهت عدم اطلاع نااهل صورت اسم اعظم را باین رمز نوشته اند و

آن اسم شریف یازده حرف است چنانکه در یواقیت المواقیت گفته است و صورت

مزبوره این است:

عَلَّحِ بِرَبِّكَ

طریفة: گویند اگر کسی این آیه را صد نوبت بخواند اگر زیر شمشیر باشد نجات

یابد: «فوقهم الله شرّ ذلك اليوم ولتّهم نضرة و سروراً» (۴۵).

طریفة: گویند هر که فندقی با خود دارد از لذع عقرب ایمن شود.

طریفة: گویند اگر خون از جایی بگشاید سرکه بر آن ریزد بآن ایستد و اگر بدان

طلا کنند صداع را بنشانند اگر از حرارت باشد.

طریفة: گویند مویز معده را قوت دهد و اگر با تخم خورند شکم را ببندد و اگر بی

تخم خورند اطلاق آورد.

طریفة: گویند اگر از پوست جوز هندی که نارجیل باشد فیله سازند و در چراغ

نهند و برافروزند و در میان جمع نهند در حال خواب برایشان غالب شود.

طریفة: گویند اگر تخم خربوزه را در میان گل نهند تابوی گل گیرد و بعد از آن

بکارند از خربوزه بوی گل آید.

طریفة: گویند اشنان دندان را جلا دهد و رائحه او سرفه را زایل کند.

طریفة: گویند اکثار در اکل بادنجان مورث جذام خواهد بود.

طریفة: گویند وقت کشتن پیاز هر گاه وقت طلوع باشد ثمره او بسیار خوب

خواهد شد و در وقت کشتن بدر آنان باز کنند که بغایت خوب شود.

طریفة: گویند سیر بریان شده درد دندان را زایل کند و از خواص سیر آن است که

مداومت بر اکل آن رافع بخر صعب العلاج می باشد.



طریفة: گویند اگر نخود را بجوشانند در آب و آن آب را مضمضه نمایند درد دندان را فوراً بنشانند.

طریفة: گویند حیّات از چوب گل بگریزند و هرگاه ماری کسی را در نزد درخت گل بگزد مهلك نبود و اگر اول گلی که از اکمام بیرون آید بسه انگشت گیرند بدست چپ و در چشمها کشند درد چشم را نافع بود و در قوت باصره بیفزاید و اگر خار در اعضاء شکسته شود گل را بدان طلا کنند بیرون آید.

طریفة: گویند اگر کبریت اصفر را بر موضع لسع مار فشانند بتکرار نافع بود و طلای نبط نیز بر آن نافع خواهد بود و گویند صاحب درد شکم اگر نیم مثقال از نبط را بخورد نافع خواهد بود.

طریفة: گویند اگر پوست جوز را بسوزانند رماد آن قروح را خشک کند و اگر جوز را با پوست بسوزند موی را سیاه کند.

طریفة گویند اگر ورق توت سیاه را با آب باران بپزند بهر خضاب موی، بغایت نیکو بود و اگر بعصاره ورق توت حامض مضمضه کند از بهر رفع درد دندان نافع بود.

طریفة: گویند اگر مسماری از ارزین سازند و در زیر ساق درخت انار کوبند جمله ثمرات او باصلاح آید چنانکه از او هیچ نیفتد.

طریفة: گویند ضماد خشخاش بر پیشانی بجهت درد سر نافع است.

طریفة: گویند ریواس طاعون را دفع کند و بصر را تیز کند.

طریفة: گویند شرب نمودن از ظرفهای مسین اسهال آورد و بهتر آن است که هر چه در آنها پخته شود زود بیرون آورند تا گرم است و الا مضر خواهد بود.

طریفة: گویند بجهت سرفه کهنه که سریعاً و فوراً علاج می شود سه چهار دانه



سیر خشک را بجایند و آب آن را بیندازند انشاءالله مؤثر خواهد بود.

طریفة: گویند اگر برگ بارهنگ را روی او بر زخم گذارند التیام یابد و اگر پشت آن

را بگذارند باعث اشتداد زخم خواهد شد.

طریفة: قيل اذا كسد متاع فليكتب هذا الدعاء و يجعل في وسط المتاع:

«بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا الله و الله اكبر سبحان الله و الحمد لله كثيرا اللهم اني

اسألك من فضلك و رحمتك فإنها بيدك لا يملكها احدٌ غيرك و صلى الله على

محمد و آله».

طریفة: گویند بجهت رفع شپش و جانور دیگر از بدن کندر را با روغن کنجد

بجوشانند و بر بدن مالند و ایضاً پوست انار ترش را با روغن بجوشانند و بر خود مالند.

طریفة: گویند تریاک مصنوعی باین نحو ساخته می شود: مصطکی یک مثقال ،

کوکنار یک من ، نشاسته یک وقیه ، زعفران یک مثقال ، اجزاء مذکور را بجوشانند تا

چهار یک شود پس از آن خشک کنند و ورز دهند.

طریفة: گویند هرگاه کسی مشغول یکی از اعمال جفریّه مقرره شود این آیه را که

«بَلِي قَادِرِينَ عَلٰى اَنْ نُّسَوِيَ بَنَانَهُ» باشد بخواند یا آنکه بر کف دست راست خود

نویسد علی قول بر عمل او آثار نافع مترتب خواهد گردید انشاءالله و شاید این امر

در شروع در هر عملی نافع بوده باشد فاحفظه عن الأغیار و ضِعه فی حرز الاسرار.

طریفة جفریة: در استکشاف احوال آینده گویند حسین بن منصور حلاج در

کتاب سرّ الاسرار ذکر نموده که سؤال سائل یا مطلب خود را با طالع وقت و اوتاد

طالع جمع نماید و جموع را بسط تکثیر نماید و حروف را که از کسورات مستخلص

است جمع کند و خلاصه کرده تکسیر نماید که البته از سطور تکسیر کلمه ای که



جواب شافی تواند بود از سؤال بیرون آید. اما اصلیه آن است که جواب مطابق سؤال باشد یعنی عربی را عربی و فارسی را فارسی و غیره هر چه باشد اصل حصول تطابق است.

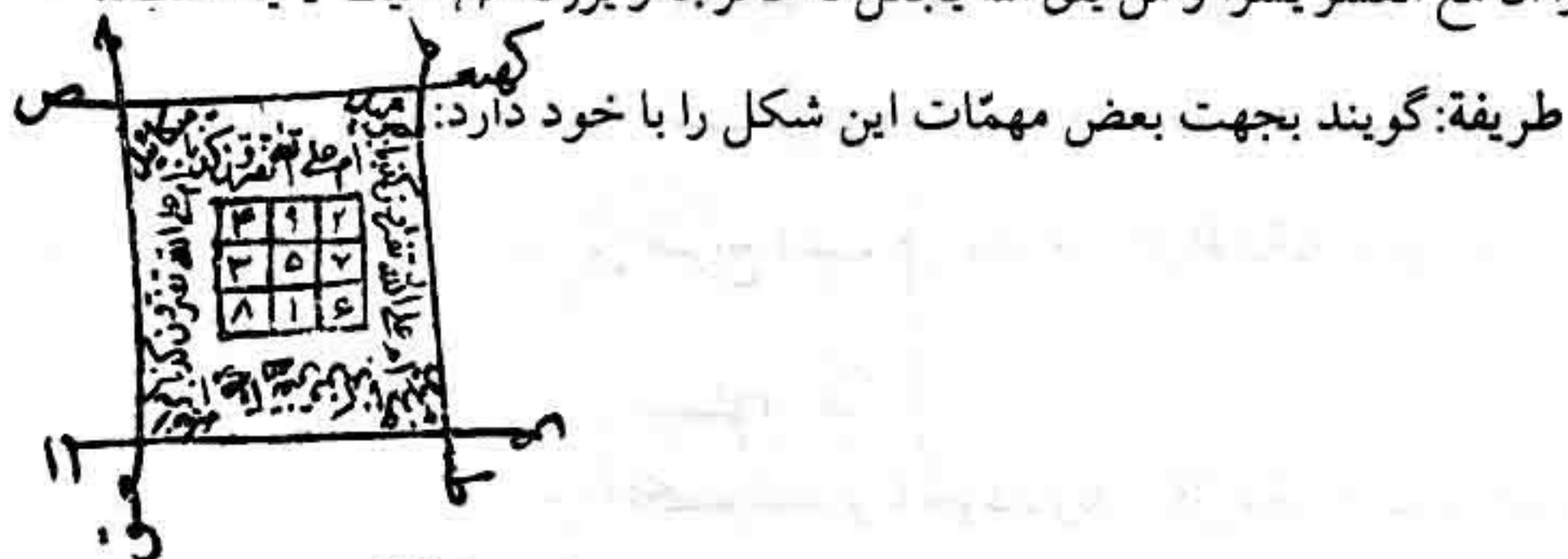
طریفة: گویند هرگاه سورة مبارکه سبع المثانی را در یک مجلس بعدد اسم مطلوب بخوانند آن مطلوب محصل گردد و مجرب شده.

طریفة گویند هر که این شکل بر ناخن نویسد و شروع در خواند سورة یس کند هر که را خواهد حاضر گردد انشاء الله تعالی که بطور مشروع باشد:

طریفة: فی المهج : و من ذلک دعاء لمولانا و مقتدانا امیر المؤمنین علیه السلام تعلق علی الانسان ، عن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب صلوات الله علیه انه قال من تعزز علیه رزقه و تعلقت علیه مذاهب المطالب فی معاشه ثم کتب له هذا الکلام فی رقّ ظبی او قطعة من ادم و علقه علیه او جعله فی بعض ثیابه التي یلبسها فلم یفارقه وسع الله رزقه و فتح علیه ابواب المطالب فی معاشه من حیث لا یحتسب و هو: «اللهم لا طاقة لفلان بن فلان بالجهد و لا صبر له علی البلاء و لا قوة له علی الفقر و الفاقة اللهم فصل علی محمد و آل محمد و لا تحظر علی فلان بن فلان رزقک و لا تقتر علیه سعة ما عندک و لا تحرم فضلك و لا تحسمه من جزیل قسمک و لا تكله إلى خلقک و لا إلى نفسه فیعجز عنها و یضعف عن القيام فیما یصلحه و یصلح ما قبله بل تنفرد بلمّ شعته و تولی کفایته و انظر الیه فی جمیع اموره انک إن وکلته إلى خلقک لم ینفعوه و إن ألجاء إلى اقربائه حرموه و ان اعطوه اعطوه قليلاً نکدا و إن منعه منعوه کثیرا و إن بخلوا بخلوا و هم للبخل اهل ، اللهم اغن فلان بن فلان من فضلك و لاتخله منه فإنه مضطر إليك فقیر الی ما فی یدیک و انت غنی عنه و أنت به



خبیر علیم و من یتوکل علی الله فهو حسبه إن الله بالغ أمره قد جعل الله لكل شیء قدران مع العسر یسراً و من یتق الله یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لا یحتسب.



طریفة: فی البحار قال رجل لابی جعفر علیه السلام یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله کیف أعرف أن

لیلة القدر تكون فی كل سنة مرة قال علیه السلام اذا اتی شهر رمضان فاقرأ سورة القدر فی كل

لیلة مائة مرة و اذا أتت لیلة ثلث و عشرين فإنك ناظر الی تصدیق الّذی عنه سألت (۴۶)

طریفة: یکی از علماء می فرماید در نزد ترجمه حدیث آنکه هر رکعتی در

جماعت بیست و چهار رکعت است که هر رکعتی دوست تر است بسوی خدا از

عبادت چهل ساله مؤلف گوید که از این حدیث ظاهر می شود که هر رکعت نماز

جماعت دوست تر است پیش حق تعالی از نهصد و شصت سال عبادت.

طریفة: قیل مشهور میانه علماء آن است که هرگاه کسی نماز را ترک کند بدون

آنکه حلال داند تارک آن عاصی است و کافر نیست ولیکن بعضی از اخبار صحیحه

و غیرها چنانکه در حبل المتین و کافی است صریحند در کفر او و معامله با

کفار با او.

طریفة: للجامی:

ز شیخ چله نشین دور باش و حیلۀ وی که هست حیلۀ وی سردتر ز چله وی

طریفة: از حضرت صادق علیه السلام روایت است که فرمودند: صراط مستقیم



امیرالمؤمنین علیه السلام است و شناخت آن حضرت و دلیل براین ، قول خدای تعالی است که: «و إینه فی امّ الکتاب لدینا لعلی حکیم» <sup>(۴۷)</sup> و آن علی حکیم که در امّ الکتاب است امیرالمؤمنین علیه السلام است در قوله تعالی «اهدنا الصراط المستقیم».

بعضی از علماء می فرمایند این صریح است در آنکه مراد از امّ الکتاب در این آیه سوره فاتحه است فافهم.

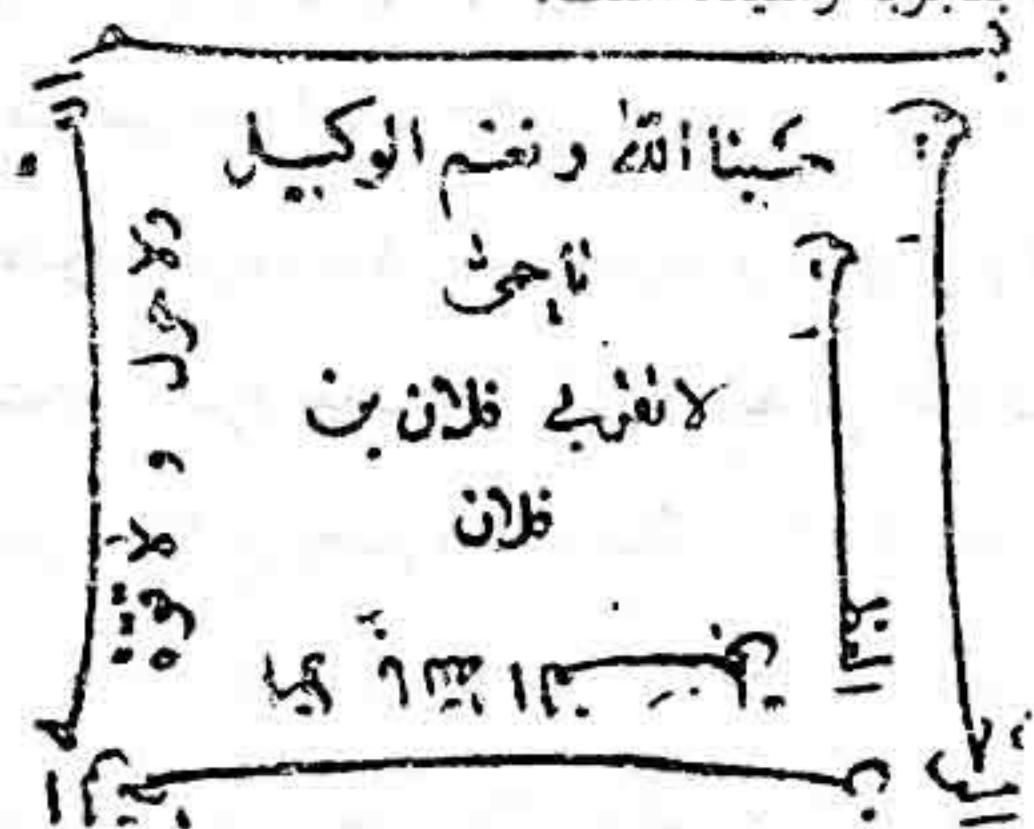
طریفة: گویند چون بدوح را تکسیر کنند و با خود دارند از کلّ مکروهات در امان باشند و در خزانه و میان اموال بدارند برکت بسیار آورد و خواندن آن هر روز بیست و شش بار و دمیدن بر چیزی موجب حفظ او خواهد شد.

صورت تکسیر بدوح به نقل از کتاب مفاتیح المغالیک:

۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ح	و	د	ب	ح	و	د	ب	ح	و	د	ب
و	د	ب	ح	ب	ح	و	د	ب	ح	و	د
ب	ح	و	د	و	د	ب	ح	د	ب	ح	و
د	ب	ح	و	د	ب	ح	و	و	د	ب	ح
۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳
ح	و	د	ب	ح	و	د	ب	ح	و	د	ب
د	ب	ح	و	د	ب	ح	و	و	د	ب	ح
ب	ح	و	د	و	د	ب	ح	د	ب	ح	و
و	د	ب	ح	ب	ح	و	د	ب	ح	و	د

طریفة: گویند هر که این مربع را بنویسد باین صورت و آن را در زیر سر هر

بیماری نهند شفا یابد و این بکرات بتجربه رسیده است:



طریفة: گویند اگر خواهی کسی را از خود دور گردانی نه مرتبه انا اعطیناک الکوثر بخوانی و بجانب او بدمی باختیار خود برود.

طریفة: بجهت فصاحت زبان و زیادتی فهم این سه را بعدد جمل ۲۱۶ بار بخواند و تکسیرش کند مجرب است یا مالک یا ملک یا دال .

طریفة: گویند بت ع خ ل ق باشد از اعلی و ادنی از جن و انس ببیند که اسم آن شخص چند حرف است بعدد هر یک حرفی اسمی از اسماء ۲۸ گانه ۹۹ نام باری تعالی که مناسب و موافق حروف آن اسم است بردارد و بعدد همان اسم بخواند مثلاً اسم آن شخص محمود است خواستیم اسماء استخراج نمائیم این اسم پنج حرف است حرف مکرر را که میم است انداختیم چهار حرف باقی ماند م ح و د اسم حرف میم یا باری عدد آن در جمل کبیر ۲۱۳ این اسم را با این عدد خواندیم با آن بعد از این اسم حرف ح مهیمن است بعدد وی ۱۴۵ عدد است آن را باین عدد خواندیم اسم حرف و اوسلام است و ۱۳۱ عدد است آن را نیز بآن عدد خواندیم تا تمام شد اسم حرف دال ملک است ۹۰ عدد است بآن عدد خواندیم و در تمام اسمها باین طریق باید خواند و یک نوبت دیگر اسمها را بعدد اسم مطلوب بخواند که البته مستحضر گردد انشاءالله. قول دیگر آن است که بعدد اسم شخص



خوانده شود بزودی اثر می دهد مثلاً میم که عدد آن ۴۰ است اسم باری که مخصوص میم است ۴۰ مرتبه بخواند و ح که هشت عدد است اسم میهمن که مخصوص او است ۸ مرتبه بخواند و همچنین و د که حروف اسم تمام شود که البته مستحضر شود بعون الله تعالی و تفصیل حروف اسماء این است الف الله ۶۶ ب رحمن ۲۹۸ ج رحیم ۲۵۸ د ملک ۹۰ ه قدوس ۷۰ و سلام ۱۳۱ ن مؤمن ۱۳۶ ح مهیمن ۱۴۵ ط عزیز ۹۴ ی جبار ۲۰۶ ک متکبر ۶۶۲ ل خالق ۷۳۱ م باری ۲۱۳ ن مصور ۳۳۶ س الغفار ۱۲۸۱ ع قهار ۳۰۶ ق وهاب ۱۴ ص رزاق ۳۰۸ ق فتاح ۴۸۹ ر علیم ۱۵۰ س قابض ۹۰۳ ت باسط ۷۲ ث حافظ ۹۸۹ خ رافع ۳۵۱ ذ معز ۱۱۷ ض مذل ۷۷۵ ظ سمیع ۱۷۰ غ بصیر ۳۰۲.

طریفة: قد عدّ الشَّهيد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و في الألفية من مستحبات الخلوة و سننها الصرير في الاستنجاء و هو ان يظهر بين اليد و المحل صوت حيث يمكن كما لو كان الماء بارداً و اوجبه سلاّر و ايضاً عدّ منها استعمال بارد الماء في الاستنجاء لذي البواسير فإنه يقطعه، رواه ابو بصير عن صادق عليه السلام.

طریفة: گویند خواندن اسم مبارک «یا لطیف» را یک صد و بیست و نه (۱۲۹) مرتبه بجت کفایت مهمات از مجربات و از آیات عجیبات است فمن شاء فليجرّبه فاعتبر و اغنتم.

طریفة: قيل قال النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «من امسك لسانه من الفضول فكأنما قرأ القرآن و عمل به» (۴۸).

طریفة: هر چیزی که حاجت خلق بآن بیشتر است وجدان او اسهل خواهد بود چنانکه در عناصر مشهود است و چون حاجت خلق برحمت خدا عزوجلّ از همه چیز بیشتر است لذا باید رحمت او تعالی هم از همه چیز وجدان او اسهل باشد.

طریفة: قيل سئل عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اى الأعمال أحبّ إلى الله تعالى قال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الحال



المرتحل یعنی اختتام القرآن و وصل آخره بأوله مع القراءة منه إلى قوله و هم  
المفلحون سواء كان معلماً او متعلماً او تالياً و سواء كان بقراءة واحدة او لا. (۴۹)

طريقة: قيل روى عن الصادق عليه السلام هذا الدعاء بعد تلاوة القرآن «اللَّهُمَّ ارزُقنا بِكُلِّ  
كَلِمَةٍ كَرَامَةٍ و بِكُلِّ حَرْفٍ جِزَاءَ اللَّهُمَّ ارزُقنا بِالْأَلْفِ أَلْفَةً و بِالْبَاءِ بَرَكَةً و بِالتَّاءِ تَوْبَةً و  
بِالتَّاءِ ثَوَاباً و بِالْجِيمِ جَنَّةً و بِالْحَاءِ حَلَاوَةً و بِالْخَاءِ خُلْداً و بِالذَّالِ دَوْلَةً و بِالذَّالِ ذِكَاً و  
بِالرَّاءِ رِزْقاً و بِالزَّاءِ زُلفَةً و بِالسِّينِ سِنَاءً و بِالشِّينِ شِفَاءً و بِالصَّادِ صِدْقَةً و بِالصَّادِ ضِيَاءً  
و بِالطَّاءِ طَرَفاً و بِالظَّاءِ ظَفْراً و بِالْعَيْنِ عِنَايَةً و بِالغَيْنِ غِنَاءً و بِالْفَاءِ فَلَاحاً و بِالْقَافِ قُرْبَةً  
و بِالْكَافِ كِفَايَةً و بِاللَّامِ لُطْفاً و بِالْمِيمِ مَغْفِرَةً و بِالنُّونِ نُوراً و بِالواوِ وُصْلَةً و بِالْهَاءِ  
هِدَايَةً و بِالْيَاءِ يُسْراً و يُمْنًا و صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ و آلِهِ أَجْمَعِينَ  
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ».

طريقة: كان العلماء اذا علموا اسم شخص من الاشخاص الروحانية و لم يعلموا  
طبعه و تأثيره استخراجوا من حروف اسمه من يدل عليه من الطبايع و التأثير فيكون  
ذلك يخصه كما يخص اسمه و يستدعيه مما هو مختص به قال عليه السلام:

« و انت الكتاب المبين الذي بأحرفه يظهر المضمرة » فتامل.

طريقة: گویند هر که سوره «قل یا ایها الکافرون» را در وقت طلوع آفتاب روز

یکشنبه ده مرتبه بخواند حاجت او روا شود انشاء الله.

طريقة: گویند از شیخ بهائی «ره» منقول است آنکه هر که در روز چهارشنبه شروع

کند تا ده روز که آخر آن جمعه باشد هر روز صد مرتبه این دعا را بخواند با حضور

قلب و طهارت بدن و جامه ، اگر مطلب او حاصل نشد به من لعنت کند:

«بسم الله الرحمن الرحيم یا مفتاح الابواب یا مقلب القلوب و الابصار یا دلیل



المتحيرين و يا غياث المستغيثين توكلت عليك يا رب و اقض حاجتى و اكف مهمتى  
و لا حول و لا قوة الا بالله العلى العظيم و صلى الله على محمد و آله اجمعين».

طريقة: گویند بجهت غناء دو رکعت نماز حاجت بگذارد بنیت توانگری و یا  
بجای آن در روز چهارشنبه چهل مرتبه سورة الكوثر را بخواند.

طريقة: گویند بجهت قضای کلیه حاجات کائنه ما کان بعد از نماز صبح صد  
مرتبه خفی و صد مرتبه جلی بخواند بحضور قلب و خضوع:  
«و نجیناه من الكرب العظيم» (۵۰).

طريقة: گویند بجهت ظهور گم شده و آمدن غائب و عاقبت کار خود و آشکار  
شدن معدنها شب پنج شنبه در یک مجلس دوهزار و صد مرتبه و اگر نتواند دو بیست  
و یک مرتبه بخواند مقصود حاصل گردد یا در خواب یا در بیداری باو نشان دهند:  
«الم تعلم ان الله يعلم ما فى السماء و الارض ان ذلك فى كتاب ان ذلك  
على الله يسیر» (۵۱).

طريقة: گویند بجهت فتح مهمات هفتاد و نه مرتبه سورة اخلاص را معکوساً بر  
گلاب خوانند و بآن گلاب روشستن اثر عظیم دارد باین صورت: دحاء اوفک هل  
نكى ملودلوى ملودلى مل دمصلاً هلاء دحاء هلاء و هلق مبحر الفحار الاهاء المسب (۵۲).

طريقة: فى الحديث من طلب الدنيا حلالاً استعفاً عن المسئلة و تعظفاً على  
عياله و تلطفاً على جاره لقي الله تعالى و تبارك يوم القيامة و وجهه كالقمر ليلة البدر (۵۳).

طريقة: فى الحديث من علم القرآن غيره فكأنما حج البيت عشرة آلاف مرة و  
اعتمر عشرة آلاف عمرة و اعتق عشرة آلاف عتق من ولد اسمعيل عليه السلام و غزا عشرة  
آلاف غزوة فى سبيل الله و اطعم عشرة آلاف مسكين مسلم و يكتب له بكل حرف



عشرة حسنات و يمحي عنه عشره سيئات و يكون معه في قبره يثقل ميزانه (٥٤).

طريقة: قيل رسم الخط الذي تداول في المصاحف سنة متعبرة لا بد من اتباعها و مخالفتها بدعة قال العلامة في شرح مختصر الاصول ان الصحابة اعلم من الناس بكتابتها فما كتبوا شيئاً إلا بحكمة لطيفة و معرفة بليغة و لحديث «اقرأوا ما المصحف» و قد تظهر ثمرة اتباع رسم خط المصاحف في الوقف و الوصل. اما ما كان فيه الإختلاف في المدّ و القصر في الخط فهو تاء التانيث التي تكون في الوقف هاء فاذا رسمت بالتاء الممدودة خطأ عند بعضهم فوقها بالتاء و اذا رسمت بالتاء المقصورة فوقها بالهاء بالاتفاق كما في مثل الرجمة بالتاء المقصورة و بالهاء في الوقف في جميع القرآن و لا خلاف في وقفها بالهاء الا في سبعة مواضع منها يرجون رحمت الله في البقرة فتفقد الباقي و تبصر.

طريقة: قيل من كسر اسمه السريع القريب و امسك لم يعسر شيء يريد عليه و يسخر به جميع افعاله تسخيراً مسرعاً و هذه صورة وضعه:

س	ر	ك	س	ر	ك	س	ر	ك
س	ر	ك	س	ر	ك	س	ر	ك
س	ر	ك	س	ر	ك	س	ر	ك
س	ر	ك	س	ر	ك	س	ر	ك
س	ر	ك	س	ر	ك	س	ر	ك
س	ر	ك	س	ر	ك	س	ر	ك
س	ر	ك	س	ر	ك	س	ر	ك
س	ر	ك	س	ر	ك	س	ر	ك

طريقة عدد اسم سريع باعدد لفظ قمر مساوي است فافهم.

طريقة: في قاعدة حسابية سنحت بخاطر هذا الراقم الآثم وهي من متفرداته و آن اين است كه اگر پرسند كه جماعتی بیاغ در آمدند و یکی از ایشان یک انار چید و دیگر دو انار و دیگری سه انار و بر این قیاس چون انارها را جمع نموده قسمت کردند هر کدام را ده انار رسید این جماعت چند کس بوده اند و عدد انارها چند بوده



گوئیم جواب این نحو سؤال را اهل حساب بقاعده تحلیل و قاعده خطا این داده‌اند و راقم آثم جواب را بقاعده سهله مختصره که عدد مقسوم‌به که ده باشد را روی عدد تالی سابق او که نه باشد می‌گذاری نوزده می‌شود همان عدد جماعت خواهد بود و همان عدد مقسوم‌به را در عدد جماعت ضرب می‌کنی که حاصل آن صد و نود باشد عدد انارها خواهد بود و قس علی هذا سایر الأمثله و ایضاً جواب دیگر آنکه ملاحظه می‌کنی مراتب اعداد سابقه آن آن مقسوم‌به را تا واحد و اعداد لاحقه او را بقدر آن مراتب، مرتبه اخیره مراتب لاحقه که نوزده باشد همان عدد جماعت خواهد بود پس از آن عدد مقسوم به را ضرب می‌کنی در عدد جماعت حاصل آن عدد انارها خواهد بود و باید ملتفت این نکته شد که سلسه مراتب لاحقه را که موازنه می‌کنی با سلسله دیگر جمع می‌کنی مجموع این دو مرتبه مطابق با همان عدد مقسوم‌به خواهد بود فاغتمم ذلک و تبصّر.

طریقه: گویند ارسطو گوید که چون مرجان را تکلیس کنند رماد آن را بر زیبق زنند ببندد و بلون زرد کند مجرب است.

طریقه: گویند بسیار خواندن این اسم موجب نورانیت دل و غناء و دولت بحدی که مردم آن بلاد باو احتیاج پیدا کنند می‌باشد: «یا حیثوا امیثورا ازغش دار غلیبون» طریقه: گویند روایت شده هر که در چهارشنبه سوری این دعا را سه مرتبه بخواند و بر خود دمد بعمر طبیعی رسد و بر دشمنان غالب آید و تمام محتاج باو شوند و قرض او اداء شود و از بلیات محفوظ ماند:

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم اصرف عني شر هذا اليوم و اعصمني بعصمتك من شرور هذا الشهر و جنبني عما أخاف من نحو سائيه و كُرْبَاتِهِ بِفَضْلِكَ يَا رَافِعَ الشُّرُورِ وَ



يا مالک يوم النُّشور بلُطفِکَ يا أرحمَ الرَّاحمین».

طریفة: گویند مروی است آنکه هر که در روز چهارشنبه آخر ماه صفر سورة «آلم نَسْرَحَ ، وَالتَّینِ ، وَإِذَا جَاءَ ، وَقُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ ، وَمَعُوذَتین ، وَفَاتَحَهُ الْکِتَابَ هَرِیکَ رَا هفت مرتبه بخواند حق تعالی او را غنی گرداند و از مقربان درگاه او شود.

طریفة: فی کشکول الشیخ احمد الاحسانی روی عن المجلسی «ره» انه يستحب فی آخر اربعاء من صفر صلوة رکعتین بقرء فی الاولی الحمد و آیه الملک ..إلی ..قدیر (۵۵) و فی الثانیه محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و قل انما انا بشرٌ مثلکم ... (۵۶) الی آخر السورة و بعد الفراغ يدعو بهذا الدعاء: «اللَّهُمَّ اصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَ شُوْمَهُ وَ شَرَّهُ وَ ارزُقني رِيحَهُ وَ بَرَکَتَهُ وَ جَنِّبني ما أَخَافُ نُحُوسَتَهُ وَ كُرْبَاتَهُ بِفَضْلِكَ يا دافع الشرور و يا مالک يوم النُّشور برحمتک يا ارحم الراحمین».

طریفة: قيل روى إنَّ اناساً جذبوا اباالهيثم بالسيوف فلم تقطع منه شيئاً فسئل عن ذلك فقال كنت اقرء هذه الآيات ثم قال فرجت يوماً مع جماعة فرأينا ذئبا يلاعب شاة عجفاء و لا يضرها شيئاً فكلما دنونا منه نفر الذئب فوجدنا في عنقها كتاباً فيه الايات المذكورة ذكر ذلك الشيخ كمال الدين الدميري في كتابه حيوة الحيوان و إنَّ الآيات من تلاها او حملها كان في حفظ الله تعالى و كلائه و هي: «بسم الله الرحمن الرحيم و لا يؤده حفظهما و هو العلى العظيم فالله خير حافظاً و هو أرحم الراحمين له معقبات من بين يديه و من خلفه يحفظونه من أمر الله إنَّ رَبِّي على كل شىء حفيظ إنَّا نحن نزلنا الذكر و إنَّا له لحافظون و حفظناها من كل شيطان رجيم و حفظاً من كل شيطان مارد إنَّ كل نفس لَمَّا عليها حافظ إنَّ بطش ربك لشديد إنَّه هو يبدىء و يعيد و هو الغفور الودود ذوالعرش المجيد فعال لما يريد هل اتيك حديث الجنود فرعون



و ثمود بل الذین کفرو فی تکذیب والله من ورائهم محیط بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ» (۵۷).

طریفة: فی البحار عن ابن عباس قال قال رسول الله ﷺ من قرأ یس والصفات یوم الجمعة ثم سأل الله تعالی اعطاه سؤله.

طریفة گویند اگر کسی را رعاف بود و خون او منقطع نشود نام خود را بخون بر خرقه ای نویسد پیش سر خود بندد خون منقطع شود.

طریفة: گویند تخم گندم باید از حبوب آن سال باشد اگر دو سال بر آن بگذرد ضعیف شود و اگر سه سال بگذرد فاسد گردد.

طریفة: گویند اگر خواهند نرم آهن را فولاد گردانند آن را عرضه کنند بر آتش تا سرخ شود آن گاه او را در دوغ ترش یا در آب انار اندازند و سه نوبت مکرر نمایند.

طریفة: گویند اگر سنگی بقدر بیست مثقال بر دنبال یا بر گوش حمار بندند بانگ نکند.

طریفة: گویند مار نر هر سال یک پوست بیندازد و نقطه ای بر قفای او ظاهر شود و آن عدد سالهای او بود و اگر مار را عقرب زند نمک طلب کند و در میان آن بخوابد و الا هلاک گردد.

طریفة: گویند خروس در مدت عمر یک بیضه نهد و آنرا بیضه الفقراء گویند چنانکه شاعر گوید:

انعام خواجه با من مسکین بعمر خویش

چون بیضه خروس یکی بار بود و بس

طریفة: گویند چون مرغ خانگی فربه شود بیضه نهد چون زنان فربه.



طريقة: الجمعة بضم الميم لغة الحجاز وفتحها لغة بني تميم و اسكانها لغة عقيل  
 و قيل الجمعة بسكون الميم اسم لأيام الاسبوع و اولها السبت.  
 طريقة: في كتاب عن امير المؤمنين عليه السلام من كتب هذه الأسماء العظام في يوم  
 الجمعة من آخر شهر رمضان المبارك و حمله معه كان محفوظاً في نفسه و عياله و  
 أهله و داره و متاعه من جميع البليات و الخطرات و المكروهات و شرّ الجن و الإنس  
 و الأمراض هو هذا: «بسم الله الرحمن الرحيم لا إله إلا أنت يا الله يا محيط علمك  
 كفكوك كفلهن و بالحق انزلناه و بالحق نزل و ما ارسلناك إلا رحمة للعالمين فالله خير  
 حافظاً و هو أرحم الراحمين منصور اباتراب منصور توجه حيث شئت  
 فانك منصور محمد على فاطمه حسن و حسين على محمد جعفر موسى على  
 محمد على حسن الحجة القائم الخضر عليهم السلام قطير و لو ان قرآنا سيّرت به  
 الجبال او قطعت به الأرض او كلم به الموتى بل لله الأمر جميعاً

لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله

لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله

طريقة: في الحديث طلاق الدنيا مهر الجنة (٥٨).

طريقة: لا تستخف بالعلم و اهله الا احمق جاهل (٥٩).

طريقة: في الحديث عقول الرجال في اطراف اقلامهم

طريقة: في الحديث كتاب الرجل ابلغ من نطقه (٦١).



طريفة: قيل نية المؤمن افضل من عمله كما في الاخبار من وجهين احدهما ان  
نوع نيته افضل من نوع عمله فان عمله قليل و نيته كثير فهو ينوي ان يعمل اعمال  
كثيرة و لا يتمكن منها و ثانيهما انها افضل من عمله خصوصاً فانه يريد ان يزكى عمله  
و يؤدبه على وجه لا يشوبه نقص و دنس بوجه من الوجوه و لا يقدر على أن يعمل  
على ما يحب فنية المؤمن دائماً افضل من عمله و يعطيه الله تعالى بعمله نوعاً و شخصاً.  
طريفة: قيل من كتب في جمعه الاخيرة من شهر رمضان هذا الحرز في سطر

واحد طولانى و جعله معه كان في حفظ الله تعالى من جميع الآفات و البليات إلى  
مثله من السنة المستقبلية و ذلك ان سيد المحققين من الحكماء آقامير محمد باقر  
الداماد الاسترابادى قدس سره كان يقول ان وقت كتابته بعد الفراغ من ظهر يوم  
الجمعة الى الغروب و هو هذا: «بسم الله الرحمن الرحيم لا آلاء إلا آلائك يا الله محيط

به علمك كـ لـ عـ مـ نـ سـ لـ مـ شـ دـ

و بالحق انزلناه و بالحق نزل و ما ارسلناك إلا رحمة للعالمين الله محمد على فاطمه  
الحسن و الحسين على محمد جعفر موسى على محمد على الحسن المهدي  
الخضر عليه السلام قطبوب روح فتح قيصور توجه حيث شئت فأتك منصور  
بالخيرات موفق كهيعص حمعسق فالله خير حافظا و هو ارحم الراحمين ابا تراب  
اباتراب اباتراب ، و قيل يكتب ايضاً بعد البسمة «و لو ان قرآناً سيرت به الجبال او  
قطعت به الأرض او كلم به الموتى بل الله الأمر جميعاً»

طريفة: روى في العلل عن جعفر بن محمد بن عتاده عن ابيه قال سمعت  
الصادق عليه السلام يقول المؤمن علوى لانه علا في المعرفة و المؤمن هاشمى لانه هشم  
الضلالة و المؤمن قرشى لانه أقر بالشىء المأخوذ و المؤمن عجمى لانه استعجم



عليه ابواب الشر و المؤمن عربى كتابه منزل بلسان عربى و المؤمن نبطى لانه استنبط العلم و المؤمن مهاجرى لانه هجر السيئات و المؤمن انصارى لانه نصر الله و رسوله و أهل بيت رسوله صلى الله عليه و آله و المؤمن مجاهد لانه يجاهد اعداء الله فى دولة الباطل بالتقية و فى دولة الحق بالسيف (٦٢).

طريفة: عن ابى الحسن الاخير عليه السلام اياك و النوم بعد صلوة الليل و الفجر ولكن ضجعة بلا نوم فإنه صاحبه لا يحمد على ما قدم من صلوته (٦٣).

طريفة: فى الحديث إذا تروضا احدكم و لم يسمّ كان للشيطان فى وضوئه شرك (٦٤)

طريفة: عن حماد بن عثمان قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول من قال «ما شاء الله

كان و لا حول و لا قوة إلا بالله العلى العظيم» دفع الله عنه سبعين نوعاً من انواع البلاء

اهونها الريح و البرص و الجنون و ان كان شقيماً محى من الأشقياء و كتب من السعداء

و روى عن ابى الحسن عليه السلام ثلث مرّات و قال أنا أقوالها مائة مرة (٦٥) و فى لا حول روى

بالواو و عدمه (٦٦).

طريفة: قال الرضا عليه السلام فى حديث من لم يقدر على ما يكفر به ذنوبه فليكثر من

الصلوة على محمد و آله فإنها تهدم الذنوب هدماً (٦٧).

طريفة: من كتاب امير المؤمنين عليه السلام انّ المدحة قبل المسألة فإذا دعوت الله

تعالى عزوجل فمجده قيل كيف أمجده قال تقول «يا من هو اقرب إلى من حبل

الوريد يا فعلاً لما يريد يا من يحول بين المرء و قلبه يا من هو بالمنظر الأعلى يا من

ليس كمثل شىء» (٦٨) قال بعض اقوال الحمد لله جربت هذه الآداب و راعيتها فى

بعض دعواتى فلم اقم من مجلسى إلا بالاستجابة و الحمد لله رب العالمين.

طريفة: فى الحديث: تعطروا بالإستغفار و لا تفضحنكم روائح الذنوب (٦٩).



طريقة: فى الحديث :كنس الفناء و غسل الإناء مجلبة للغناء (٧٠).

طريقة: فى الحديث :يا اباذر لا تصيب حقيقة الايمان حتى ترى الناس كلهم حمقى فى دينهم عقلاء فى دنياهم (٧١).

طريقة: فى الحديث : يا اباذر من خرج عن بيته يلتمس باباً من العلم كتب الله عزوجل له بكل قدم ثواب نبي من الأنبياء و اعطاه الله بكل حرف يسمع او يكتب مدينة فى الجنة (٧٢).

طريقة: فى الحديث: من خرج عن بيته يلتمس باباً من العلم كتب الله تعالى له بكل قدم ثواب شهيد من شهداء بدر (٧٣) و فيه ايضاً ما معناه: من أحب العلم لا يخرج من الدنيا حتى يشرب من الكوثر و يأكل من ثمرة الجنة و يكون فى الجنة رفيق خضر عليه السلام (٧٤).

طريقة: و فى رواية :من خرج عن بيته ليلتمس باباً من العلم لينتفع به و يعلمه غيره كتب الله له بكل خطوة عبادة الف سنة صيامها و قيامها (٧٥).

طريقة: عن امير المؤمنين عليه السلام الدنيا كلها جهل الامواضع العلم و العلم كله حجة الا ما عمل به و العمل كله رياء الا ما كان مخلصاً و الاخلاص على خطر حتى ينظر العبد بما يختم له (٧٦).

طريقة: در معالجة زردى دندان بگيرد صدف و تخم توت و تخم اسفند از هريك دو درم بر دندان بمالند سفيد شود و بيخ او محكم گردد انشاء الله.

طريقة: عن ابى الحسن عليه السلام قال كثيراً ما كنت اسمع ابى يقول: ليس من شيعتنا من لا يتحدث المخدرات بورعه فى خدورهن و ليس من اوليائنا من هو فى قرية فيها عشرة آلاف رجل فيهم من خلق الله اورع منه (٧٧).



طريقة: گویند استخوان بال راست خروس را با خود داشتن موجب قبول و در دست داشتن آن موجب ظفر بر خصم خواهد بود انشاء الله.

طريقة: گویند دوغ با زیره تنقیه مشتری نماید و بعد از تنقیه با قاطر خل و زاج سحق نمایند بحدی که تشمیع پذیرد باوزان نسبیّه که مناسب او باشد ملحق باول گردد مجرب است.

طريقة: از مهمات و امهات ادعیه دعاء در حق امام غائب حجت الله القاهرة علیه و علی آبائه الکرام الصلوة و السلام است که ثمرات آن راجع بخود شخص داعی و جمیع موجودات خیره بمقتضای مرکزیه حقیقیّه می باشد و بهتر آن است که باین عبارت که وارده در کلمات علماء اعلام ماخوذه از احادیث ائمه معصومین علیهم السلام است در خصوص شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان و عموم اوقات از سال باشد: «اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَجْدِ الشَّامِخِ وَالسُّلْطَانِ الْبَازِخِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَكُنْ لِوَلِيِّكَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ «عج» فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَنَاصِرًا وَدَلِيًّا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا»

طريقة: قيل روى ان الرجعة فى السماء وقيل فى معناه يعنى ان الأرض تصير فى هذا اليوم كالسمااء فى اللطافة و الشدة و الصفاء.

طريقة: من خواص الشعير كما فى الخبر انه ما دخل جوفاً الا و خرج كل داء فيه و هو قوت الأنبياء و طعام الأبرار و لكن الأطباء يزعمون أنه يوجب الهزال و هو ايضاً عند الأبدال من امثل الخصال فتبصر.

طريقة: قيل فى الحديث من استخف استأذنه ابتلاه الله تعالى بثلاث بليّات الاولى نسي ما حفظ و الثانية مات شاباً و الثالثة كل لسانه عند الموت.



طریفه: از یکی از معصومین علیهم السلام مروی است که فرمودند اگر شیعیان را  
غریب کنیم و نیک و بد ایشان را از هم جدا سازیم از هزار کس یکی خالص نباشد و  
اکثر ایشان اهل قولند و اهل فعل در میان ایشان بسیار نادر است (۸۰).

طریفه: در حدیث است آنکه اگر مؤمنی بقصد زیارت یا برای حاجتی بخانه  
کسی رود و او در خانه باشد و اذن ندهد در لعنت خدا باشد تا وقتی که با هم  
ملاقات کنند (۸۱).

طریفه: در روایتی است که: هر کس که از مؤمن چیزی روایت کند که باعث  
خفت او شود در نظرها خدای تعالی او را از ولایت خود بیرون کند بولایت شیطان  
و شیطان نیز قبولش نکند (۸۲).

طریفه: در جمال الصالحین آورده آنکه مروی است که: هر که را شدتی و  
حاجتی باشد غسل کند و دو رکعت نماز گذارد پس دست راست زیر روی راست  
گرفته بخوابد و بگوید: «یا معزکذل ذلیل ویا مدل کل عزیز وحقک لقد شق علی کذا»  
و حاجت خود را مذکور سازد مستجاب شود. (۸۳)

طریفه: ایضا در کتاب مذکور، مذکور است که از حضرت صادق علیه السلام مروی  
است که چون خواهی برای مطلبی و حاجتی نامه یا رقعهای بنویسی اول با قلم بی  
مداد بر سر نامه بنویس «بسم الله الرحمن الرحیم إن الله وعد الصابرين الخروج مما  
یکرهون و الرزق من حیث لا یحتسبون جعلنا الله و ایاکم من الذین لا خوف علیهم و  
لا هم یحزنون» راوی گوید بعد از آنکه این حدیث شنیدم هرگز برای مطلبی نامه  
ننوشتم مگر آنکه باجابت مقرون گشت (۸۴).

طریفه: فیه ایضاً از معصوم علیه السلام مروی است که بجهت حفظ از حوادث لیل و



نهار مستحب است که مؤمن این دعاء را در قائمه شمشیر یا زیر انگشتر یا در عمامه خود داشته باشد: «بسم الله الرحمن الرحيم يا هو يا من هو هو يا من ليس هو إلا هو يا حي يا قيوم يا حي لا يموت يا حي لا إله إلا أنت صل على محمد و آل محمد و كن لفلان بن فلان درعاً حصيناً و حصناً منيعاً يا رب العالمين و صلى الله على خاتم النبيين و آل الطاهرين».

طريفة: قيل من المجربات ان من قال عشرة آلاف مرة «يا غني يا ملي يا وفي» رزقه الله تعالى مالاً من حيث لا يحتسب.

طريفة: قيل روى من اراد ان يوسع رزقه فليكتب هذا الدعاء و يعلقه على نفسه او يكتبه في منزله او يقرؤه في كل يوم و ليلة مرات ثلاث و هو «يا الله يا الله يا الله يا رب يا رب يا حي يا قيوم أسألك باسمك العظيم الأعظم أن ترزقني رزقاً حلالاً طيباً برحمتك يا أرحم الراحمين».

طريفة: در بحر المنافع آورده که اگر کسی خواهد پی مهمی رود این اسم اعظم که به زبان هندی است هفت بار بگوید آن مهم بزودی برآورده شود و آن این است «اهنوس».

طريفة: نسبت داده اند بمرحوم آخوند ملا زين العابدين گلپایگانی اعلى الله مقامه که یکی از اوتاد عصر بوده اند آنکه حضرت امام رضا عليه السلام باو تعليم نموده بودند در خواب بجهت امر معيشت آنکه هر روز صبح در تعقيب نماز يك صد و ده مرتبه بخوان: «اللَّهُمَّ اغْنِي بِحَلَالِكَ عَن حَرَامِكَ و بِفَضْلِكَ عَمَّن سِوَاكَ».

طريفة: قال بعض العلماء رأيت في بعض مؤلفات بعض الأجلاء من اصحابنا انه قال و مما سمع من الثقات و جرّب في اكثر الأوقات لتيسير المهمات و كشف



الكربات و قضاء الحاجات و حصول السرور في جميع الأوقات قراءة سورة النصر و سورة يس الى قوله «و كل شئ احصيناه في امام مبين» عند الإستهلال في شهور السنوات و الحمد لله اولاً و آخرأ.

طريقة: گویند اگر خواهی حاجت تو برآید این حرفها را بر ناخن دست چپ بنویس و بخواب مرد پیری در خواب بیاید و آنچه خواهی بآتو بگوید شخص محکی عنه می گوید فقیر این را یک مرتبه آزموده مجرب است .

## طلا عطان

طريقة: ايضاً در وقت خواب این طلسم را بر ناخن دست راست بنویسد و حرف نزند تا بخواب رود در خواب احوال بر او معلوم خواهد شد انشاء الله تعالى .

## ه ه عا سكا كاه صم ماف حرا اع

طريقة: گویند هر که این کلمات را صد نوبت بخواند غنی گردد و مجرب است: «بسم الله الرحمن الرحيم يا كثير الخير يا ذالمعروف يا قديم الإحسان احسن إلينا باحسانك القديم برحمتك يا ارحم الراحمين».

طريقة: گویند هر کس پیش از نماز صبح روی بقبله کند و در چهار رکن خانه خود در هر رکن ده مرتبه بگوید «یا رزاق» روزی بر او فراخ گردد و هرگز محتاج بخلق نشود چنانکه مروی از حضرت امام رضا علیه السلام است.

طريقة: في البحار قال ابو عبدالله الفقيه الهمداني في كتاب البلدان ان اباموسى الاشعري روى انه سئل امير المؤمنين على بن ابي طالب عليه السلام عن المدن و خير المواضع عند نزول الفتن و ظهور السيف فقال عليه السلام المواضع يومئذ ارض الجبل فاذا اضطربت خراسان و وقعت الحرب بين اهل جرجان و طبرستان و خربت



سجستان فاسلم المواضع يومئذ قصبة «قم»<sup>(۸۴)</sup>.

طريفة: عن الصادق عليه السلام فاما الرى فويل له من جناحيه و ان الأمن فيه من جهة قم و اهله قيل ما جناحاه قال عليه السلام احدهما بغداد و الآخر خراسان فانه تلقى فيه سيوف الخراسانيين و سيوف البغداديين فيعجل الله تعالى عقوبتهم و يهلكهم فيأوى اهل الرى الى قم فيؤويهم اهله ثم ينتقلون منه الى موضع يقال له اردستان<sup>(۸۵)</sup>.

طريفة: فى خبر: ألا و ان قم الكوفة الصغيرة<sup>(۸۶)</sup>.

طريفة: قيل روى انه فى التوراة مكتوب الرى باب من ابواب الأرض و إليها متجر

الخلق<sup>(۸۷)</sup>

طريفة: فى ارشاد الديلمى فى مناجات النبى صلى الله عليه وآله يا احمد ان العبد إذا جاع بطنه و حفظ لسانه علمته الحكمة و إن كان كافراً تكون حكمته حجة عليه و وبالاً و إن كان مؤمناً يكون حكمته له نوراً و برهاناً و شفاء و رحمة<sup>(۸۸)</sup>.

طريفة: گویند تیمور در اثنای سیاحت بجائی رسید که چون شب داخل شد نماز مغرب را که خواند آفتاب طلوع نمود و فرصت خواندن نماز خفتن نشد<sup>(۸۹)</sup>.

طريفة: گویند مداومت بر ذکر «لا اله الا الله» موجب رفع دشمن و رفع کروب

و ادای قرض است.

طريفة: گویند از جهت رفع شدائد و قضاء حاجات سر برهنه کند و دست بر سر نهاده بخواند «اعوذ بالله من الشيطان الرجيم أفغير دين الله يبغون و له اسلم من فى السموات و الأرض طوعاً و كرهاً و اليه يرجعون» و حاجت خود را عرض کند که البته انشاء الله تعالى روا خواهد شد.

طريفة: گویند یکی از خواص آية الكرسي آن است که هرگاه بنویسند و بر آستانه



بالای خانه یا دکان بیاویزند موجب غناء و برکت و دولت خواهد بود و همچنین خواندن آن در هنگام بیرون رفتن از خانه موجب حفظ از آفات و غنای بعد از مراجعت است و ایضاً خواندن آن باعث بر حصول اطلاع بر اسرار قرآن شریف است و ایضاً خواندن آن تا ده روز روزی ده مرتبه موجب دولت خواهد بود انشاء الله تعالی.

طریفة: گویند بجهت دفع وباء این اشکال را با خود دارند:

سَمَّوَاتِ السَّمَوَاتِ

طریفة: گویند در شب چهاردهم ماه این آیه را بر کف دست راست خود نویسد و دست راست در زیر روی راست نهد روی بقبله بخوابد مطلوب را از حیث خیر و شرّ در خواب ببیند انشاء الله تعالی «و کذلک نری ابراهیم ملکوت السموات و الأرض و لیکون من الموقنین» (۹۰).

طریفة: و ایضاً هر که پنجاه و دو روز هر شبانه روزی هزار بار اسم «العزیز» را بر قمر بخواند مسخر او شود.

طریفة: و ایضاً هر که صنعتی می کند نازک و خطرناک و از فساد آن می ترسد مانند کیمیاگری و زرگری، باید که تا آن عمل می کند هر صباح صد مرتبه اسم «الخلق» را بگوید. مهم او نیکو شود.

طریفة: ایضاً هر که در شب دوشنبه نیم شب بعد از دو رکعت نماز در سجده هفت بار اسم «الوهاب» را بگوید توانگری یابد.

طریفة: گویند از حضرت رضاعلیه مروی است که بجهت اطلاع بر امر مخفی از قبیل دفینه و غیر آن سه شب هزار نوبت بگوید «یا علام علمنی» و با طهارت



بخوابد، در خواب یا بیداری او را اطلاع دهند.

طریفة: بجهت فراخی روزی و زوال غم چهل و یک بار اسم «الشکور» بر آب بخواند و بیاشامد و بجهت روشنائی چشم از آن آب در چشم کشد.


طریفة: ایضاً هفت بار اسم «الرّقیب» بر خود خواندن موجب حفظ نفس و مال و زن و فرزند او گردد.

طریفة: گویند هرکه این کلمات را بر کف دست راست بنویسد و با وضو بخوابد هرچه مطلوب او باشد در خواب بیند انشاءالله مهتدون علینا .

طریفة: گویند هرکه این حروف را بر کف دست خود نویسد پیش هرکه رود مراد

## هل ه ل ه ل ال

او حاصل آید :

طریفة: در جواهر مکنونه آورده آنکه اهل خواص گفته‌اند که هر که نظر بحروف جلاله گمارد و او را باین صورت بنویسد «ال ل ه» و نظر بچشم «ه» داشته باشد و هر روز با وضو ۶۶ مرتبه اسم الله را بخواند یا ۳۶ مرتبه و بهمین عدد آیه «الله لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القویّ العزیز» را بخواند مرزوق گردد بتوفیق طاعات و عبادات و برکت روزی و آسان گردد از برای او فهم امور مشکله و شهوت بر دل او سهل گردد و از ظلم ظالمان ایمن گردد و هر چه طلب کند از حوائج میاید و بعضی گفته‌اند باین صورت بنویسد و نظر کند 

طریفة: ایضاً در کتاب مذکور آمده که منقول است که چون متوجه امور میشوی از قبیل عمارت و زراعت و تجارت و نماز و روزه البته بگو: «یا قویّ یا عزیز یا علیم یا قدیر یا سمیع یا بصیر» آن امر هر چند مشکل باشد آسان میگردد انشاءالله تعالی .

طریفة: ایضاً در آن کتاب است که بعضی از بزرگان فرموده‌اند که توسل باین



اسماء حسنی که از حروف مقطعه قرآنی تألیف یافته موجب حصول مرادات و قضاء حاجات است علی الفور بی تأخیر و مهلت و بسی اعزّه تجربه کرده‌اند و بمراد رسیده‌اند و اسماء این است: «الله الرحمن الرحیم الملک المالك السلام المؤمن المهيمن القهار المانع العليم السميع الحكيم العليّ الكريم الحلیم الحقّ الحيّ الحنان المئان المقسط المحسن المنعم المليك الصانع الملیّ الناصر النصیر العالم القاهر» و اسماء مقدسه بیست و نه است و مفسرین آورده‌اند که توسل جستن باین اسماء حسنی که مؤلفه از هفتاد و هشت حروف مقطعه است باعث طول عمر و دولت و حصول مطالب و مآرب صوری و معنوی است انتهى.

طریقه: تفصیل کسور حروف باین نحو است: الف = کسر ندارد، با نصف دارد که یکی است، جیم ثلث دارد که یکی است، دال نصف دارد که دو باشد و ربع دارد که یک است، ها خمس دارد که یکی است، واو نصف دارد که سه باشد و ثلث دارد که دو باشد و سدس دارد که یکی است.

ط تبع دارد که یک است	ح نصف دارد ربع دارد و ثمن دارد	ز سبع دارد که یک است
لام نصف ثلث ربع سدس	کاف نصف ربع خیم عشر	ع نصف ربع خیم عشر
میم نصف ثلث ربع خیم سدس	ن نصف ربع خیم عشر	حیر نصف ربع خیم عشر
ص نصف ثلث ربع خیم سدس	ف نصف ربع خیم عشر	عین نصف ربع خیم عشر
ش نصف ثلث ربع خیم سدس	ق نصف ربع خیم عشر	غ نصف ربع خیم عشر
خ نصف ثلث ربع خیم سدس	ث نصف ربع خیم عشر	ن نصف ربع خیم عشر
ظ نصف ربع	ض نصف ربع	ذ نصف ربع
	ص نصف ربع	ذ نصف ربع
	غ نصف ربع	ذ نصف ربع

و هریک از کسور رایکی از حروف قرار می‌دهند مثلاً یک را الف و دو را با و سه را جیم و هكذا.

طریقه: قیل الفرق بین الوحی و الإلهام أن الأوّل يتولد من اشراقات العقل الكلّی و الثانی يتولد من اشراقات النفس الكلّیه فافهم.

طریقه: گویند خوردن زنجبیل با پسته و خولنجان بجهت تقویت باه از اسرار مجربه شمرده‌اند.



طریفة: گویند مضمضه گل سرخ مسکن درد دندان است.

طریفة: گویند هرگاه اسب و استر از حرکت وامانده شود قدری افیون که اقلش یک مثقال و اکثرش سه مثقال باشد باید بحلقش کرد که توانائی رفتار بهم رساند و این تدبیر از اسرار مکنونه است.

طریفة: گویند هرگاه نمک ترکی را بسوزانند و با عسل ضمّ نمایند در هر ماهی دو بار بدنند بمانند بجهت حفظ صحت دندان و لثه نافع خواهد بود.

طریفة: لا أدری، لیس البلیه فی آیامنا عجا بل السلامة أعجب العجب.

طریفة: گویند هرگاه فلزی را چند مرتبه بآتش گرم کرده در آب اندازند قابل اذابه و سحق میگردد.

طریفة: گویند بجهت بواسیر خوردن شربت زرشک بسی نافع است.

طریفة: گویند مالیدن روغن گردو بتنهایی یا با عاقوقرحا بر قضیب مقوی باه و آلت خواهد بود.

طریفة: گویند از جمله چیزهائی که موجب لاغری و پیری و ضعف باه می باشد اقتصار بر فراش واحد و عدم تجدید طرف آنست چنانکه در کلمات شیخ داود مصری است.

طریفة: یکی از حکماء میفرماید باید انسان در فرار از هوای وبائی کمتر از پرستوک نباشد که در چنین هواها فرار میکنند و بجای دیگر انتقال مینمایند کما هو المشاهد.

طریفة: گویند هرگاه موضع گزیده عقبرب یا نحو آن را در آب بسیار گرم گذارند و بلافاصله نقل بآب سرد نمایند تسکین میشود.



طریفة: گویند روغن کنجد بر قضیب مالیده جماع کنند نفع عظیم بخشد.

طریفة: ایضاً گویند زهره مرغ خانگی را با زنجبیل و دارچین بهم سائیده در قضیب طلایه کند لذت یابد.

طریفة: ایضاً بجهت تقویت باه آب پیاز سفید یک من، عسل دو من، با آتش ملایم آهسته آهسته بجوشانند تا بقوام آید. هر بامداد ده درم تناول نماید.

طریفة: ایضاً تخم شلغم را کوفته با عسل میل کنند نافع خواهد بود.

طریفة: گویند رازیانه را جوشانیده اندکی قند داخل کرده بجهت رفع اسهال رطوبی بنوشند و بجای آب در گلاب بخیسانند بهتر خواهد بود.

طریفة: ایضاً تخم مرغ نیم پز را اندک شبت صلایه نماید میل کند و شله برنج و خشخاش نیز نافع است بشرط آب نخوردن در میان آن.

طریفة: گویند بجهت امساک منی کبابه را بکوبند و حَب سازند و در دهن نگاه دارند و لعاب آن را فرو برند و گویند طلا کردن خائیده کبابه بر قضیب ملذذ جماع است.

طریفة: گویند بوره ارمنی را نرم سائیده با عسل آمیخته بر ذکر مالند و بر خصیه و جوانب آن، چندان آلت را سخت نماید که تنگ آید و آب گشنیز فرو نشاننده آن است.

طریفة: از باهیات آن است که خشت نور را در آتش اندازد تا سرخ شود و گوشت را بروی افشاند تا بریان شود و بخورد. (نقل از کتاب نخبه مرتضی قلی شاملو).

طریفة: گویند محمد بن زکریا گفته است اگر کسی زردک را بجوشاند با عسل و مکرر بخورد خاصیت فادزهر دهد.



طريقة: گویند حکیم عمادالدین محمود (ره) گوید اگر کسی صد درم پیاز سفید را بجوشاند با صد درم عسل سفید تا نیمه شود و هر روز پنج مثقال از آن را بخورد خاصیت فادزهر دهد.

طريقة: قيل نقل عن ارسطو ان من منذرات الوباء و الطاعون حدوث الزلازل العظيمة و مقارنة مريخ مع زحل كما قال إلياس اليهودي في رسالته في الوباء و الطاعون.

طريقة: ايضاً قال هو ان الهواء المستور القعري في زمان الوباء اصلح من الهواء المشكوف العلوي.

طريقة: ايضاً هو قال وجدنا في زبور داود عليه السلام و تورات موسى عليه السلام ان في كل زمان إذا أراد الله تعالى أن يعذب العصاة يرسل بالخصوص مرض الطاعون و قال يحيى عليه السلام لا تخافوا من العلامات العلوية والآفات السماوية إن كنتم تسلكون إلى طريقى بالهداية الإلهية.

طريقة: ايضاً قال (هو اعلم) إن في هذا الدواء نفعاً عظيماً و سرّاً عجيباً يتفق عليه الأولون المتقدمون و الآخرون و يجربون فيه تجربة كاملة لا يلبق تفصيله بهذا المقام و هو هذا: خذ من الصبر ثلثه دراهم و من المر درهمين و من الزعفران درهماً ثم تدق و تنحل و تحب مثل حمصة بماء نسان الثور يجفف في الظل ثم يشرب وقت طلوع الفجر خمس حبات و يستعمل كل اسبوع مرّة او مرّتين على اختلاف الأمرين.

طريقة: ايضاً قال هو، روى عن داود عليه السلام ان جميع الأطبّاء في علاج الطاعون كالأعمى. ايضاً قيل المقرّر في علم الطب أن الشهب و الصواعق و عمود النار علائم لكثرة الأبخرة و الرطوبات و هي تدل على حدوث الوباء و الطاعون و في علم



النجوم أنها علائم انّ الحاکم فی ذلك الزمان هو المشتري و المشتري ضدّ  
الصحة و الحیوة .

طریفة: ایضاً قیل انّ الشتاء اقبل للوباء من سایر الفصول و ردّه بعض من الأطباء.

طریفة: فی الخلاصة إنّ محمد بن عثمان العمروی قدس سرّه النوری کان قد حفر  
لنفسه قبراً و سوّاه بالساج فسئل عن ذلك فقال للیأس أسباب ثم سئل بعد ذلك  
بشهرین فقال أمرت أن اجمع أمری فمات بعد ذلك بشهرین فی جمادی الاولی سنة  
خمس و ثلثمائة و قیل سنة اربع و ثلثمائة و کان يتولى هذا الأمر نحو من خمسين سنة  
عليه رحمة الله و رضوانه.

طریفة: قیل قال ابوعلی بن سینا کَلَمَا کنت احاور فی مسألة او لم اظفر بالحدّ  
الأوسط فی قیاس ترددت الی الجامع و صلّیت و ابتهلّت الی مبدع الكلّ حتی یفتح  
لی المنغلق منه و تیسّر المتعسر.

طریفة: گویند بجهت مقهوریت دشمن چهل مرتبه آیه الكرسي بخواند چون  
بمابین دویم «یعلم ما بین ایدیهم» رسد آن دشمن را بنظر آورد و خواندن آن نیز  
بعدد مذکور بجهت کفایت سایر مهمات مؤثر است بشرط آنکه بخاطر گذراند مهم  
مطلوب را در مابین دو عین «یشفع عنده» و ایضاً هفت مرتبه خواندن آن بر نمک  
طعام و در طعام نمودن و اطعام آن بمطلوب موجب محبت شدیده آن مطلوب  
خواهد شد.

طریفة: یک قسم از قلم عبری که اقرب باغلب سلائق است بدین نحو است

س س ش س ص ض ط ظ ع غ ف و ه ه ل م ن و  
ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز ه ه ی



طریفه: گویند خواجه محمد علی در مذمت تنباکو فرموده: *طریفه*

چه طالع است که این رو سیاه تنباکو جهان گرفته سراسر چو ظلمت دیجور  
 غرین عالمیان است با همه خواری یکی ز جمله غلطهای در جهان مشهور  
 تا آنکه میگوید سمجی است که اگر سرش را در روزی هزار مرتبه چراغان کنند ترک  
 دراز نفسی نمیناید، و هرزه خندی است که اگر چوب در حلقش فرو برند نفس گیر  
 نمیشود تا آنکه میگوید زیاده از این گفتگو درد سراسر است و درد سر و دراز نفسی کار  
 قلیان و تنباکو است. و راقم آثم را در باب قلیان و چای و سماور چند شعری است از  
 آن جمله:

ز چایی آید آگاهی ز قلیان فکرت و وجدان  
 کباب اسباب خواب است و پلو پهلوده حیوان  
 اگر باشد ترا بر سر هوای طوبی و کوثر  
 عیان بین در سماور این ز قلیان زان هویدا آن  
 وگر خواهی شوی مقرون بخم علم افلاطون  
 مجو دوری تو از قوری مکن هجران تو از قلیان  
 از سماور بشنو این راز نهانی تا بدانی  
 آن رموزی را که خواهانی ز اسرار نهانی  
 گوید ای غافل ز فیضیات این قلیان و چاهی  
 جوشم اندر دل که عیانی را نخوانی  
 طریفه: گویند شخصی صرفی بسلیقه خود گفت که چون التقاء ساکنین جایز نیست  
 باید در شریعت نیز تزویج دو خنثی بیکدیگر جایز نباشد.



طریفة: گویند ناصحی بتارک الصلاتی گفت که اگر چهل روز متوالی نماز گذار  
عادت آن برای تو حاصل میشود که دیگر ترک نمیکنی. جواب داد که اگر عاد  
چهل روزه را ترک نمی توان کرد من چگونه عادت چهل ساله را ترک میتوانم کرد  
طریفة: گویند اگر زهره بزرا با نوشادر حل نموده بر موضعی طلا نمایند  
موی بر نیاورد.

طریفة: قيل إن شئت ۹۸۱ فاض المعشوق فليقرء هذا المنتر س  
مّرات و انفخ على الورد الأصفر في كلّ مرّة نفخة واحدة و بعد الإتمام ايضاً ان  
سبع مرات فانه ۹۸ حا لديك بعون الله و هو مجرّب و ان كان وقت  
ذلك في يوم الاحد قبل طلوع الشمس لكان اولی و المنتر بالل  
الهندية فل فلي بناكيسا بيري اي فل او بينا جيفل سنكا سلما سمار  
فوری نفوری ایسرکی باجاهنوتا بیراکی یوجا جاکیا ماکیا رکمان شاه دی یه.  
طریفة: گویند هر فلزی که آب نشود آن را با شوره بزنند آب شود.

طریفة: گویند ترکیبی که طلای او بر بدن قلع میکند مو را آنست که زرنیخ ورق  
بقدر بیست و پنج درم در میان طاس سرخی ریخته که بقدر یک انگشت آب بیالا  
او بایستد و هر یوم قدری آب ریخته تا وقتی که برسد و رسیدن او این است که  
مرغی را هرگاه بر او فرو برند پر ریخته شود بعد از آن حصالبان را با صابون مگ  
کوبیده داخل او نمایند و بجوشانند و قرصها ساخته استعمال کنند که احتیاج بنو  
نیست و الله العالم.

طریفة: گویند که سه شب هر شب چهل مرتبه سوره مبارکه انا انزلناه را بخواند  
عالم غیب باو چیزی رسد و روزی او وسیع گردد و مجرّب مجرّب است.



طریفة: قبل بجهت کشف سر در خواب بخواند در وقت خواب:

«قل هو الله احد» ده مرتبه تسبیحات اربع دوازده مرتبه صلوات پانزده مرتبه ناد علی هفت مرتبه نمی إلى السید الداماد علیه السلام.

طریفة: گویند بجهت مار گزیده قدری هیمه بسوزاند پس از آن آتشی از آن برداشته بر بالای زخم گذارد آتش سیاه میشود و هكذا آتش دیگر گذارد تا مادامیکه سیاه نشود و مادام که زهر در بدن باقی است آتش نمیسوزاند بدن را.

طریفة: گویند خواندن این اسم شریف بعد از نماز صبح هر روزه إلى نود و چهار روز بعد نود و چهار مرتبه موجب کشف اسرار کیمیا خواهد بود «الجبار».

طریفة: گویند هر گاه در روز اول که زکام حادث شود آب گرم در خیشوم استنشاق کند نفع بلیغ دهد و استشمام کافور نیز تجربه شده در زکام صفراوی حاد.

طریفة: گویند نظام الدین نیشابوری از ابن عباس روایت کند که منافقی و یهودی مخاصمت کردند، یهودی گفت من پیش پیغمبر صلی الله علیه و آله میروم منافق گفت پیش کعب بن اشرف میرویم پس بالاخره پیش پیغمبر صلی الله علیه و آله رفتند آن حضرت حکم بر وفق مراد یهودی فرمود و منافق راضی نشد و گفت پیش عمر میرویم چون رفتند یهودی شرح حال گفت عمر گفت اینجا بایستید تا من بیرون آیم و بخانه رفت و شمشیر بدست داشت و بیرون آمد و گردن آن منافق مثل خود را زد بجهت تزویر و مکر که آن ملعون داشت ولذا او را جمر مینامیدند یعنی روباه.

طریفة: گویند از آقا شمس الدین منقول است که هر کس هفت روز روزه بدارد و حیوانی نخورد و هر روز چهل مرتبه این اسماء را بخواند: «یا فرد یا خبیر یا شهید یا زکی یا لطیف یا غالب یا طالب یا جبار یا فعال یا خلاق» و روز هشتم این مهر را



بنویسد و مهر این است و بعد مهر را در زیر سجاده گذارد و هزار مرتبه «یا فعال یا خلاق» بخواند و سجاده را بردارد و بقدره الله تعالی هفت درهم در زیر سجاده بهم رسیده باشد. وقتیکه بر میدارد که در کیسه گذارد چهل مرتبه «یا مذهب یا اسود یا فعال یا خلاق» بخواند مادامی که آن درهمها در کیسه او باشد هر روز باذن الله هفت درهم در کیسه بهم رسد و در هر ماه هفت درهم صدقه کند و از برای ترویج آقا شمس الدین صد مرتبه فاتحه بخواند و هدیه کند و این مطلب بتجربه رسیده و مهر

مزبور این است:



طریفة: قیل ان اسم ام موسی علیه السلام الذی تفتح به الأقفال و القیود هو هذ

طیسوم آیوم قیوم دیموم دیوم

طریفة: گویند ختم سوره مبارکه الم شرح بجهت قضای حوائج که اثر عظیم دارد

باین نحو است: که در روز چهارشنبه ماه شروع کند تا هفده روز روزی هفده مرتبه

بخواند و بعد از هفده مرتبه خواندن یک مرتبه دعای «یا من تحلّ به» و دعای «یا

منتهی مطلب الحاجات» از صحیفه سجادیه (۹۱) بخواند.

طریفة: گویند از حضرت امام حسین علیه السلام مروی است که فرمودند که حضرت

رسول ﷺ فرمودند که جهت قضای حوائج جمعاً تا هفت روز هر روز هر یک از

این اذکار را هزار مرتبه باین ترتیب بخوانند حاجت او روا شود والا فردای قیامت

دامن گیر من باشد. روز شنبه «یا حی یا قیوم». یکشنبه «ایاک نعبد و ایاک نستعین»



دوشنبه «سبحان الله و الحمد لله». سه شنبه «یا الله یا رحمن». چهارشنبه «حسبی الله و نعم الوکیل». پنج شنبه «یا غفور یا رحیم». جمعه «یا ذالجلال و الإکرام».

طریفة: گویند عرب دالی که ماقبل آن متحرک باشد آن را قلب بذال میکند چنانکه در همدان همذان میگویند ولی در استاد، استاذ میگویند بر خلاف قاعده مذکوره.

طریفة: یکی از عرفا گوید جمیع اجزاء عالم بحقیقت انسان مرتبط و ببرکت وجود او منضبط است.

زین آتش نهفته که در سینه من است

خورشید شعله ایست که در آسمان گرفت

شیخ ابو طالب مکی در قوّة القلوب گوید أفلاک بأنفاس بنی آدم دایرند.

تو خود چه لعبتی ای شهسوار شیرین کار

که توسنی چو فلک رام تازیانه توست

طریفة: گویند از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مروی است که در ایام هفته هر

روزی هزار مرتبه و اگر طاقت ندارد صد مرتبه بخواند این اذکار را بترتیب آتی و در

أثنای ذکر تکلم با کسی نکند. سؤال نمیکند از خداوند تعالی چیزی را مگر آنکه باو

عطاء خواهد فرمود انشاء الله تعالی:

روز شنبه «یا هو یا الله» روز یکشنبه «یا رحمن یا رحیم» دوشنبه «یا علی یا عظیم»

سه شنبه «یا فرد یا احد» چهارشنبه «یا حی یا قیوم» پنج شنبه «یا حنان یا منان»

جمعه «یا ذالجلال و الإکرام».



طریفة: گویند اگر سوراخ مورچه را بسرگین گاو بگیرند دیگر بیرون نیایند.

طریفة: گویند اکتار در تلاوت سورة «الفلق» موجب سهولت اسباب رزق

وسعت آن خواهد بود.

طریفة: گویند هر که این اسماء عظام را بعدد حساب جمل بخواند صفات بش

از او محو شود و بصفات حق باقی شود و دم عیسی علیه السلام پیدا کند و بسعدت

جهان رسد و رزق بروی فراخ گردد و از اسرار غیب بر او مکشوف گردد و بر ق

دیگر ۱۷۳۶ خواه به یک و خواه بدو دفعه در یک شبانه روز اما در اول و آ

صلوات بفرستد «هو الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم القدیر المرید السميع البص

طریفة: گویند جناب محمد بن حنفیه (رض) از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

از اعداد اجزای جفری که بحسب تعداد حروف ابجد است و از ۲۸ درنگذرد نم

و اینکه مردمان در تعیین عدد اسماء سرگردانند این قدر در نیافته اند که وضع

حروف همان عدد او است بحسب ترتیب ابجدی و ابثی و ایقغی و اهطمی و

شخصی از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کرد که من می خواهم که اسمی از اسمای

را دعوت کنم تعداد عدد او را نمیدانم. فرمود نظر کن که هر حرف او از چندم

است از حروف ابجد، مراتب او را جمع کن تا عدد دعوت را دریابی و بعضی

اولیاء این عدد را وسیط ابجدی خوانند.

طریفة: گویند هر یک از اسم مبارک «علی» علیه السلام و کلمه «لا اله الا هو» مص

اسم اعظم الهی میباشد و عدد آنها نیز با یکدیگر بملاحظه یکی از قوانین عدد

جفریه مطابق است چنانکه در یکی از طرائف سابقه ذکر شد.

طریفة: گویند عزیمت اسم مادر حضرت موسی علیه السلام چنین است



رب هليا بنت وغيا المؤمنة الصديقة ام موسى عليه السلم بالله العزيز الكبير المتعال  
المهيمن الذى فتحت به الاطباق و استنارت به الافاق و فتحت به الاقاسى افتح هذا  
التفل او هذا الغلف و ان شئت قلت قلت قلب فلان بن فلان على مودّه فلان بحق  
هذه الاسماء الوحا الوحا الساعة الساعة العجل العجل الحريق الحريق  
الحريق الحريق النار فى قلب فلان بنت فلان على حبّ فلان بن فلان.

طريفة: قيل تصحف على صاحب عجائب المخلوقات حيث قال حجر الصنونو  
بالصاد و الصواب أنّه بالسين المضمومة و النونين و هو نوع من الخطاطيف.

طريفة: قيل كان عذاب سليمان عليه السلام للطير كما اشير اليه فى قوله تعالى «لأعدّبنّه»  
فى خصوص الهدهد جلسه مع غير جنسه و قيل تزويجه عجوزاً (٩٢).

طريفة: قيل الخضر عليه السلام هو ابن عاميل من ولد الطيّب يعنى ابراهيم الخليل عليه السلام.

طريفة: يتميز الذكر من العصافير بلحية سوداء كما فى الرجل و التيس و الدّيك.

طريفة: قيل ليس فى الارض طائر و لا سبع و لا بهيمة احنى من العصفور على

ولده كما هو المشاهد و هو لا يعرف المشى و إنّما يشب و ثبا و هو كثير السفاد فربما

سفد فى الساعة الواحدة مائة مرّة و لذلك قصر عمره فانه لا يعيش فى الغالب اكثر من

سنة و عصفور الجنة هو الخطاف.

طريفة: قيل ان القرحة المستديرة بطيئة الإندمال لعسر نبات اللحم فيها لانّ نباته

انّما يبتدى من اطرافها فإذا كان لها زوايا كان نباته فيها اسرع ممّا فى منفرجتها و من

ذلك قيل انّ من لوازم الطبيب العلم بالهندسة ايضاً.

طريفة: قيل ينبغى للعالم بعلم الطبّ الإقتصار على اصل العلم و عدم الإقدام

على العمل و يكون قول الناس فلان يعلم و لا يعمل احبّ إليه من قولهم يعمل و لا



يعلم إذ بالاول ينسبون اليه كمالاً و بالثانى يثبتون له وبالآ.

طريفة: قيل انه ظهر على منجم علامات غلبة الدم ، فشاور بعض جهال الأطباء بالفصد فقال منع جالينوس من فصد المنجم و جاء بكتاب فيه لا تفصد المنجم و قال هو متحم يا مفسود فقال اذا لم تسمع فافعل ماشئت و عن آخر أنه كان يطالع فى التشريح و يقرء الحسن البصرى يشهد بذلك فقيل له هو الحسن البصرى فقال هذا تصحيف و أنه كان جامعاً للعلوم و منه اخذ التشريح.

طريفة: قيل ان افعل التفضيل اذا اضيف الى نكرة يكون هو المضاف اليه فى المعنى كما اذا قيل زيد افضل رجل اذ المعنى انه اذا افضل الرجال واحداً واحداً فهو افضل فتامل.

طريفة: قيل ان الطب كان معدوماً فاوجده البقراط و ميّتاً فأحياه جالينوس و اعمى فبصره حنين و متفرقاً فجمعه ابن زكريا و ناقصاً فكمّله ابن سينا.

طريفة: قيل ان فى بعض التواريخ ان لفظ فيلسوف يلقب به من تمهّر فى جميع اجزاء الفلسفه فصنّف جالينوس فى جميعها كتاباً و عرضه على ملك زمانه و سأله ان يلقب به فقال الملك نحن لانعرف ما فيه لكن نبعثه الى فلان الفيلسوف فإن استحسنته نلقبك به فلما رآه قال مصنفه لا يستحق هذا الإسم إنما هو رجل طبيب.

طريفة: قيل وجه ان الجليد يطفو على الماء و يزيد ثقل الميت فيه انّ الهواء ينفصل من الميت و ينسد منافذه بخلاف الجليد.

طريفة: قيل ان تولد الذكور فى الأيمن من الرحم و الأنثى من الأيسر و لذا كان مزاج الذكور أحرّ من مزاج الأنثى حيث انّ الأيمن من الرحم أحرّ و لذلك قيل إن سبقت البيضة اليمنى فى العظم و الإبتساح وقت إنبات الشعر كان الشخص مذكاراً و



إن سبقت اليسرى كان ميناثاً.

طريقة: قيل بروز اعضاء التناسل فى الذكور وكمونها فى الأنثى دليل على حرارة مزاجه و برودة مزاجها و لذلك لا يكون فى من به ابنة الذكر والبيضتان و اوعية المنى مائلة إلى الخارج كالميل و لا يوجد ما بون عظيم الذكر ينسل الخصى.

طريقة: قيل السبب الغائى لبرد مزاج الانثى ان الجنين يحتاج فى تكوّنه و تغذيته و نشوه بعد الولادة بسبب الرضاع إلى مادة غريزة فلو كانت الانثى قوية الحرارة لكان الغذاء يتحلل سريعاً و لا يجتمع منه ما بقي بجميع ذلك يقيناً و ايضاً البرودة موجبة لأن يغلب عليهن الكسل ليصلحن لتربية الاخيه و لزوم المسكن و القيام بأمر الأولاد و مصالح البيت.

طريقة: قيل ان القلب يتحرك دائماً حتى قيل أنه يتحرك فى النفس المعتدل عشر مرات خمساً انبساطية و خمساً انقباضياً و لولا الرية لتأذى عند سدّ النفس و حصره فى بعض الموارد.

طريقة:

زآينده و از گذشته خویش

و آنگاه بفارسی بنطق آر

کردی که نمود کشف مبهم

یک سطر بساز بی مثالش

و آنگاه بمدعات ره جوی

وز بعد عدد تو حرف برگیر

لولاک لما خلقت الأفلاک

بنویس سؤال را کم و بیش

اول عدد حروف بردار

پس هر دو عدد بیکدیگر ضم

خواهی یابی ره وصالش

از لفظ سؤال استوا پوی

ملفوظی حرف را عدد گیر

وز بعد شه سریر لولاک



سر دفتر کشور صفا را  
 تو نقش مهین کعب را خواه  
 کردیم ترا بحق محوّل  
 وز نااهلان بجان بپوشی

میجوی امام و پیشوا را  
 یعنی که پس از الف بدل خواه  
 باباب ضمام و باب اول  
 کاندر کتمان او بکوشی

معلوم شد که این ابیات در کتاب الفبای عربیه در باب الف و ح و خ و ج و د و ذ و س و ص و ض و ط و ظ و م و ن درج شده است

اب	ب	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن		
س	ح	ف	ص	ق	ا	ر	ش	ت	ث	ش	خ	ذ	ض	ظ	غ

این دلال مس ع ص ص ق ق ش ذ غ

کردی چنین است

ب ه ز ح ط ی ف ر ت ث خ ظ

ملبوسی حروف چنین است

و م ن

وصی م ح م د ل ی س ت  
 ۸ ۸ ۶ ۶ ۶ ۶ ۴ ۴ ۳ ۳ ۱ ۱ ۰ ۰ ۰

استطاح ف خ و ع ج ی دی او

مطوح ح انخ او او ع ی ن ج ی م

ی ا ا ل ف و ا ر

ح ا ا ف خ و ع ی ن ج ی م  
 ح ا ا ف خ و ع ی ن ج ی م  
 ح ا ا ف خ و ع ی ن ج ی م

م م م ل ح د ا م ف ه خ ن و ی ع

ع ل ی ۴

طریفة: قبل لعقرب اثر ماتکون إذا کانت حاملاً و لها ثمانية أرجل و عیناها فی